



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۹۸
پنجشنبه ۲۷ آذر ۱۳۵۹، مطابق با
۱۰ صفر ۱۴۰۱، به: ۱۵ ریال

بایستی‌بانی از امام خمینی، توطئه جدید امریکاراد رهم شکنیم

در پارامی موارد حتی بازداشت آنان به منظور برانگیختن خشم دهقانان و مایوس ساختنشان از انقلاب، ایجاد جو تشنج و درگیری و زو خورد در مدارس بقصد تمطیل آنها، تحریک در کارخانه به منظور تسری اعتصاب و تصحیح در میان کارگران و توقف تولید، سرهمبندی کردن تظاهرات در چند شهر، با هدف توهین به مقام ولایت فقیه و لطمه زدن به وجهه روحانیت پیرو خط امام، حمله به کتابفروشیها و مراکز نشریات حزب ما در پارامی مناطق همه و همه پیش درآمد این توطئه امریالیستی است که ضدانقلاب آگاهانه و طبق نقشه، عناصر ساده دل و فریب خورده، ناآگاهانه، به خواست امریالیسم در به زانو درآوردن انقلاب تمکین کرده اند.

شد ستم و بهره کشی را دارد. در هفته های اخیر، گروه کانونهای گوناگون این آتش افروزی امریالیستی علیه انقلاب بوده ایم؛ ایجاد درگیری در برخی از شهرها و افتادن گروه های سیاسی بجان یکدیگر، تحریکات فئودالها و زمین داران بزرگ در روستاها، جلوگیری از فعالیت هیئت های هفت نفری تقسیم زمین و

امریالیسم امریکا، تارهای هفتمین توطئه را بر کرد انقلاب ایران تپیده است. این بار آماج مستقیم این توطئه پلید، مقام پراچ امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، و روحانیت پیرو خط امام است که گویا باید با تبلیغات پریهاوی مخالفان لطمه بیند و میان مردم و رهبری انقلاب و روحانیت پیرو خط امام جدائی افتد، تا زمینه برای وارد آوردن ضربه قلمی فراهم آید.

فرمان امام راه پیمایی امروز انجام نمی شود

دفعه امام خمینی، صبح دیروز، طی اطلاعیه ای اعلام کرد که راه پیمایی امروز پنجشنبه انجام نشود و توجه مردم به رفع مشکلات مملکتی، معطوف گردد. در این اطلاعیه از جمله آمده است: «(امام خمینی فرموده اند) با توجه به حساسیت زمان و مطلع فعلی که ما گرفتار مسئله جنگ با دشمنان اسلام هستیم و باید به مسائل و مشکلات مملکتی بپردازیم... از راه پیمایی ها که قرار است به این عنوان انجام شود، سرفنظر نمایند و به کارهای مهم و رفع مشکلات دیگری که دارند بپردازند.» امام خمینی، همچنین از آیت الله طاهری، امام جمعه اسفهان، خواستند که به اسفهان بازگردد و آرگانهای انقلابی را هم که اعلام تعطیل نموده اند فراخوانند که به کارهای عادی خود مشغول گردند.

امریالیسم امریکا، که تلخی شکست پنج توطئه را در کام دارد، و ششمین توطئه او، یعنی جنگ تجاوزی و تحمیلی رژیم صدام حسین، از نظر سیاسی شکست خورده و از جهت نظامی با شکستی محتوم مواجه است، اجرای نقشه بعدی، یعنی هفتمین توطئه را بمنظور درهم شکستن انقلاب ضد امریالیستی و خلقی ما، آغاز کرده است، توطئه ای که حزب توده ایران ماهها پیش با روشن نگری، وقوع ناگزیر آنرا پیش بینی کرده بود.

رویدادنامه کشور در دوران اخیر نشان میدهد که چگونه امریالیسم امریکا برای تحقق آرزوی دیرینه اش در سرکوب انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، به چنای ساختن توطئه ها از روحانیت پیرو خط امام، به ایجاد جو بگو و مگو و ناسازگاری و لجاج و تشنج و درگیری امید بسته است. امریالیسم امریکا از یکسو بدست عوامل خود میکوشد اختلاف میان ارگانهای حاکمیت را تمیق کند و از سوی دیگر با حمله مستقیم به رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و روحانیت پیرو خط امام، قصد ایجاد شکاف میان مردم و رهبری انقلاب و روحانیت ضد امریالیست و

نورالدین کیانوری
«پرسش و پاسخ»
(۱)
تلاشهای امریالیسم
جهانخوار برای تغییر
تناسب نیروها به زیان
خلق، محکوم
به شکست است

صفحه ۶

بواثر آتش سپاهیان انقلاب

چندین تانک و دههاتن از تجاوزگران صدامی در جبهه های جنوب و غرب منهدم شدند

مدت ۳ بار عملیات چریکی در ارتفاعات منطقه صورت گرفته است. وی تاکید کرد که در یکی از این عملیات ۷ نفر از مزدوران کشته و ۲ خوددوری آنان منهدم شد.

رزمندگان انقلاب در ادامه نبرد با تجاوزگران صدامی، ضربات تازه ای بر پیکر آنان وارد ساختند. خبرگزاری پارس و دفتر مرکزی خبر، به نقل از روابط عمومی استانداری ایلام، گزارش دادند: در یک عملیات چریکی، که بوسیله گردان مخصوص کلاص سبزه و مدافعان محلی انقلاب اسلامی مستقر در ارتفاعات میک در منطقه ایلام، در تاریخ ۲۳ و ۲۴ آذرماه، با پشتیبانی آتش توپخانه انجام شد، در حدود یکصد نفر از مزدوران کشته و زخمی شدند و ۴ دستگاه خودرو، یک تانکر آب، ۳ دستگاه چادر گروهی مزدوران عراقی منهدم و به ۱۶ سنگر دشمنان انقلاب تا حدود ۸۰ درصد خسارت وارد آمد.

خبرگزاری پارس در گزارش دیگری، به نقل از یک مقام مسئول سپاه پاسداران ایلام، می افزاید: در درگیری روز دوشنبه در ارتفاعات ملک شامی، برادران پاسدار با آتش خیمه زاننداز خود شکرهای دشمن را بنهدم در هم کوبیدند و تلفات و خسارات سنگینی به مزدوران وارد آوردند. سرپرست گروه عشایری مستقر در گیلان قرب، عصر روز سه شنبه به خبرگزاری پارس گفت: «در این جبهه ۸ ساعت مداوم درگیری با سلاح سنگین و سبک و قماربازان جریان دارد. در همین

در این جبهه برائری چریکی عملیات چریکی توسط گروهی از رزمندگان ارتش، پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج عشایری در پشت خطوط دشمن، یک نفر از مزدوران کشته و تعدادی سرجوخ شدند. خبرگزاری پارس از جبهه سوعار گزارش داد: نبرد همچنان ادامه داشته و در یک نبرد رویاروی ۸ نفر از مزدوران دشمن کشته شدند. در جبهه ذهاب و قسر شیرین نیز یک گروه متشکل از نیروهای هوایر، پاسداران انقلاب اسلامی و دیگر رزمندگان اسلام ۲۴ نفر از مزدوران را بدم انداختند و ۷ نفر از آنان را به هلاکت رساندند و بقیه متواری شدند. در جبهه جنوب به گزارش خبرگزاری پارس از آبادان: مبادله آتش میان نیروهای انقلاب و مزدوران دشمن در منطقه غرب خونین شهر از عصر دوشنبه تا روز سه شنبه به شدت ادامه

دیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران در اعلامیه ای که به پشتیبانی از امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران منتشر ساخته، رویدادهای هفته های اخیر را چنین ارزیابی میکند: «حزب توده ایران که پیوسته و بیگیر از انقلاب ضد امریالیستی و مردمی ایران هواداری کرده و میکند و در افشای توطئه های شیطانی امریالیسم امریکا برای سرکوب انقلاب و براندازی جمهوری اسلامی ایران شرکت فعال داشته و دارد، رویدادهای تحریک آمیز هفته های اخیر را بعنوان پیش درآمدی برای تدارک توطئه جدید امریالیستی - ارتجاعی ارزیابی میکند. این تحریکات همچنین بازتابی است از هراس سرمایه داران وابسته و بزرگ مالکان، لیبرالها و مائوئیستها از تعقیق انقلاب بزرگ بقیه در صفحه ۴

در مصاحبه با نشریه پیام انقلاب اعلام شد:

پیشنهاد سفیر لیبی برای تشکیل جبهه ای از ایران، الجزایر، سوریه، لیبی و سازمان آزادبخش فلسطین

سفر لیبی: ۱۱ ماه پیش، طرح تشکیل این جبهه ها را ارائه دادم. امام خمینی و آیت الله منتظری با آن موافقت کردند. بعضی از عناصر مخالف طرح ما را برهم زدند. اگر این ۵ کشور ۱۱ ماه قبل هم پیمان شده بودند، صدام نمی توانست اقدام به این تجاوز کند.

داشتیم که اگر صدام در رابطه با قومیت عربی و ایرانی اظهار نظری کرد، او را طبق این طرح منکوب کنیم. و یا اگر از شیعه و سنی صحبتی به میان آورد، او را محاب نقابیم، چرا که ما متمسک به اسلام بودیم، که در اسلام هم تفاوتی بین شیعه و سنی نیست. شما هم از سرزمین اسلامی ایران خارج نشدید و در زمینه گسترش انقلاب با جهان ارتباط پیدا نکردید. (پیام انقلاب، ارگان سپاه پاسداران، ۱۲ آذر ۵۹، صفحه ۵۰)

آن هنگام این طرح را چنین عنوان کردم که الجزایر، سوریه، لیبی، سازمان آزادیبخش فلسطین و ایران برای آزادی فلسطین جبهه ای تشکیل بدهیم. بعضی از عناصر مخالف، پیشنهاد و طرح ما را برهم زدند. و من حتی به اسم آنها را می شناسم. الان هم دنیا و برادران ما در ایران متوجه شدند که ما در گفتارمان صادق بودیم. و اگر این پنج کشور در ۱۱ ماه قبل هم پیمان شده بودند، صدام نمی توانست اقدام به این تجاوز بکند. و ما از پیش در نظر

در این مجال باصراحت بشما میگویم که شما هم در ایران یک اشتباه بزرگ مرتکب شدید و به پیشنهاد مادر این زمینه وقتی ننهادید. و من الان اصلا و سراسر پیشنهاد میکنم. در ماه صامبر گذشته، یعنی در حدود ۱۱ ماه پیش هم طرحی را ارائه دادم، مبنی بر تشکیل جبهه ای که مرکب از پنج دولت اسلامی بود و آیت الله منتظری موافقت کردند و متوجه شدم آیت الله خمین هم موافقت کرده اند و همچنین تعداد کثیری از اندیشمندان اسلامی با اجرای آن موافقت کردند. در

سعد مجیر، سفیر لیبی در تهران، در مصاحبه ای با مجله پیام انقلاب، ارگان سپاه پاسداران، اعلام کرد که: ۱۱ ماه پیش طرحی را برای تشکیل جبهه ای مرکب از ایران، الجزایر، سوریه، لیبی و سازمان آزادیبخش فلسطین، برای آزادی فلسطین ارائه دادم، که امام خمینی و آیت الله منتظری با آن موافقت کرده اند، اما عناصر مخالف آنرا برهم زده اند. سعد مجیر، که در این مصاحبه بار دیگر تشکیل این جبهه را پیشنهاد میکند، گفت:

در درگیری روز دوشنبه در ارتفاعات ملک شامی، برادران پاسدار با آتش خیمه زاننداز خود شکرهای دشمن را بنهدم در هم کوبیدند و تلفات و خسارات سنگینی به مزدوران وارد آوردند. سرپرست گروه عشایری مستقر در گیلان قرب، عصر روز سه شنبه به خبرگزاری پارس گفت: «در این جبهه ۸ ساعت مداوم درگیری با سلاح سنگین و سبک و قماربازان جریان دارد. در همین

کار فرمایان ضد انقلابی با تعطیل کارخانه ها در روند تولید اخلاص میکنند

درفصحه ۴

پرونده سازی علیه حزب توده ایران به سود ضد انقلاب است

بسود انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، بشهادت کارنامه مبارزاتی خود در بیست ماه اخیر - چنانکه مقامات مسئول نیز آگاه دارند - همواره در کشف دسیسه های ضدانقلاب و مقابله با آنها نقشی فعال و ارزنده ایفا کرده است. ۴- پرونده سازی برای حزب توده ایران و درج چنین مطالب تحریک آمیز و خراف کذبی، در روزنامه ای که خود را هوادار انقلاب و پیرو خط امام می شمرد، بقیه در صفحه ۸

جمله در نامه «مردم» بجا رسیده، آشکارا اعلام داشته است که با «سازمان مجاهدین خلق ایران» درباره ارزیابی این سازمان از سرشت انقلاب ۲۲ بهمن و صف آرایی نیروهای متشکله آن و همچنین عملکرد سازمان مجاهدین خلق ایران، در سراسر دوران انقلاب، بسویژه در لحظات سرنوشت ساز کنونی، اختلافات جدی و اصولی دارد. ۳- حزب توده ایران بر پایه موضعگیری اصولی و انقلابی خود

زیرا امکان می رود قسمت اول طرح با شکست روبرو شود. لذا این سازمان بعد از موفقیت قسمت اول، همکاری را با شما آغاز مینماید و برای اجرای بقیه طرح مذکور، حزب توده (ایران) تمام امکانات را برای شما آماده میکند. روشن کردن ساختگی بودن و یا واقعی بودن مطالبی که روزنامه صبح آزادگان درباره «سازمان مجاهدین خلق ایران» نگاشته، با خود «سازمان مجاهدین

روزنامه «صبح آزادگان» در شماره ۲۶۹، چهارشنبه ۲۶ آذر ۱۳۵۹، خود، در مطلبی زیر عنوان «افشای توطئه جدید مجاهدین» ادعا کرده است که: «طبق خبر خبرنگار آزادگان، مراسلاتی هم بین مجاهدین خلق و حزب توده (ایران) صورت گرفته و خواهان همکاری حزب توده (ایران) در این نقشه شوم شده اند. اما حزب کافر توده گفته است که همکاری از اول طرح با شما غیرممکن است،

لیبرال ها خواستار چه جامعه ای هستند؟ صفحه ۴
دستفروشان را دریابید صفحه ۴
سود انقلاب در اینست
• ادامه فعالیت هیئت های هفت نفری
• ادامه اجرای قاطع و کامل قانون اصلاحات ارضی صفحه ۵

برای مبارزه با امریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

لیبرال کیست؟

لیبرالها خواستار «آزادی» برای غارتگران هستند. آنها از بازگذاشتن دست سرمایه‌داران بزرگ و وابسته، که چون زالو خون مردم را می‌مکند و با استفاده از آزادی نامحدودی که در شرایط فعلی برای آنها وجود دارد، سودهای چند صد درصدی به جیب خود سرآوری می‌کنند، مدافعه می‌کنند. آنها محدود کردن غارتگریهای آنان را عملی «ضد آزادی» می‌دانند. لذا آنها از جمله با دولتی کردن بازگانی خارجی مخالفتند.

در جلسه مورخ ۲۵ آذرماه ۵۹ مجلس شورای اسلامی، در بحثی پیرامون اجرای اصل قانون اساسی مبنی بر دولتی کردن بازگانی خارجی، یکی دیگر از لیبرالها، نشان داد که «آزادی» از نظر آنها چه مقبومی دارد.

اصک ۴۴ قانون اساسی: «بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازگانی خارجی، معادن... و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است.»

مخبر کمیسیون بازگانی: «سیاست اقتصادی جمهوری اسلامی دیگر نمی‌تواند آن سیاست قبل (دوره شاه) باشد و این کاتال باید بسته شود. بخصوص آنکه بعد از انقلاب سوء استفاده‌های زیادی شده. هم ارزش زیادی خارج شده، هم در وارد کردن کالاهای ضروری مردم اختلال شده و هم‌عده‌ای سرمایه خود را از جریان تولید بیرون کشیدند و در راه تجارت انداختند. لذا باید با کمک وزارت بازگانی طرحی تهیه شود که فواید و خرابیهای گذشته، با دولتی شدن بازگانی خارجی جلوگیری گرفته شود.»

هاشم صباغیان: «طبق اصل ۴۴ قانون اساسی در مورد دولتی بودن بازگانی خارجی، کسی نمی‌تواند با دولتی کردن بازگانی خارجی مخالفت داشته باشد، ولی (!) دولتی شدن تجارت خارجی... به اجرا هم گذاشته شده است... وزارت بازگانی می‌شغول اجرای آنست و آنرا انجام می‌دهد... آیا این پس نیست؟»

مصومی مخبر کمیسیون بازگانی: «ما آن قانون را (که صباغیان به آن اشاره میکرد) دیدیم. ولی اگر آن قانون پیاده شود، دولتی کردن بازگانی خارجی، به نفعهای ما میرسد و به آن صورت بدر ما و انقلاب ما نمی‌خورد.»

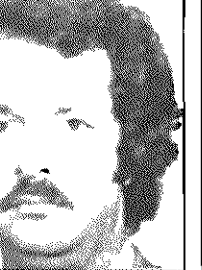
ماده واحده پیشنهادی کمیسیون بازگانی، با اکثریت آراء نمایندگان مجلس به تصویب رسید و وزارت بازگانی مؤلف شد که ظرف ۳ ماه، قانون مربوط به دولتی شدن بازگانی خارجی را تهیه و به مجلس ارائه کند.

لیبرالها، باز هم تیرشان به سنگ خورد.

لایحه بنیاد مسکن در جلسه مجلس مطرح شد

نماینده ممسنی خواستار رسیدگی سریع مسئولین مملکتی به وضع حساس این منطقه شد

درگذشته یک رفیق توده‌ای



با تاسف فراوان اطلاع کردیم که رفیق احمد نظام شهید ۵۹ ساله در روز ۲۳ آذر درگذشت.

رفیق نظام شهیدی در ۱۳۱۷ در شهر مشهد از جهان گسود. وی بعد از تحصیلات ابتدائی و متوسطه در تهران و تبریز در رشته حقوق تحصیل نمود. در سال ۱۳۴۰ در مشهد در رشته حقوق از کسور، رفیق ایرانی به مبارزه بر ضد امپریالیسم و پسگردگی آمریکا، و شاه ملعون پرداخت.

رفیق نظام شهیدی در پایان تحصیل در رشته سیاسی، تمام وقت خویش را در اختیار حزب قرار داد و به مدتی، بدستور حزب، به بازگشت.

رفیق نظام شهیدی تا آن لحظه حیات به آرمان حزب وفادار بود و در راه آن از فداکاری دریغ نکرد.

خانم رفیق احمد نظام را گرامی می‌داریم و این جانگداز را به همسر و دو فرزندش، رفیق فقیه سمیه تسلیم می‌کنیم.

مجلس یادبود رفیق احمد شهیدی، روز شنبه ۲۹ آذر ۱۳۵۹، ساعت ۱۲ تا ۲ ظهر، در مسجد «الجراد» خواهد شد.

«کلیه معاملات مسکن باید از طریق این دفتر انجام شود». این مسئله باعث رکود معاملات منازل شد و لذا دولت فکر کرد که به جای دخالت مستقیم، بر این امر نظارت و آنرا کنترل کند. تا اینجا با ضرورت یک سیاست هماهنگ موافقت شده است.»

مخبر کمیسیون مسکن در بلیان تاکید کرد که بنیاد مسکن که یک نهاد انقلابی است، به همان شیوه سابق کار خود را ادامه خواهد داد. فقط هیات امناء آن کنار می‌رود. پس از توضیحات مخبر کمیسیون مسکن، چندتن از نمایندگان به عنوان موافق و مخالف در مورد این طرح سخن گفتند. آنگاه وزیر مسکن و شهرسازی در این مورد توضیحاتی داد. وی از جمله گفت:

«دولت در بنیاد مسکن، آفتابور که باید و شاید، سیاست خود را نمی‌توانست پیاده کند. لذا با اجازه امام مقرر شد که این بنیاد زیر نظر وزارت مسکن کار خود را انجام دهد. بنیاد یک کار اصلی دارد که همان خانه‌سازی برای مستضعفین است. کار بنیاد از کار دفتر معاملات مسکن جداست. دفتر معاملات کنترل معاملات مسکن را برعهده داشت.»

وزیر مسکن افزود: «این کنترل باعث شد که در عرض ۶ ماه کمتر از خانه معامله شد و بخش خصوصی هیچ سرمایه‌گذاری در این راه نکرد. نظر ما آزاد شدن معاملات نیست، زیرا نمی‌توانیم به آن صورت اول آزاد بگذاریم و بورس‌بازی شروع شود. ما باید کنترل کنیم. البته میزان این کنترل در زمان‌های مختلف متفاوت خواهد بود، یعنی ما کنترل حساب‌شده خواهیم داشت، یعنی فروشنده می‌تواند بفروشد، ولی خریدار باید براساس ضوابطی خرید را انجام دهد.»

پس از توضیحات وزیر مسکن، چندتن از نمایندگان سوالات خود را از وزیر مسکن مطرح کردند. دنباله بحث در مورد این لایحه به جلسه بعدی مجلس موکول شد.

در حاشیه مجلس

کدام ارز؟

شجونی، نماینده کرج، هنگام طرح مسئله مسکن و خروج ارز توسط طاغوتیان، گفت: «کدام ارز؟ هرچه ارز بود در دوران دولت موقت خارج شده.»

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست علی‌اکبر پرویز تشکیل شد، چندتن از نمایندگان در ارتباط با مسائل روز سخن گفتند و لایحه مربوط به نحوه اداره بنیاد مسکن و دفتر معاملات مسکن مطرح گردید.

صند شجانیان، نماینده ممسنی، اولین ناطق پیش از دستور جلسه دیروز بود، که در ارتباط با حوادث اخیر ممسنی سخن گفت. وی ضمن تشریح این درگیری، که در آن ۵ نفر کشته و ۱۲۰ نفر زخمی شدند، تاکید کرد که این درگیری به علت بی‌توجهی و کاهلی مسئولین امر بوجود آمده و مقامات مملکتی باید هرچه زودتر به این قضیه رسیدگی کنند.

نماینده ممسنی سپس به جزئیات این درگیری، که بنابه گفته وی از ابتدا بعلمت بی‌توجهی مسئولین آموزش و پرورش به خواست‌های معلمان منطقه شروع شد، پرداخت و آنگاه گفت:

«در فروردین ۵۸ وقتی خسرو قشقایی به منطقه آمد، مردم نورآباد علیه او تظاهرات راه انداختند و مانع پیاده شدن وی از ماشین‌اش شدند. مردمی که زیر ستم خان بودند نمی‌توانند خان را دوست داشته باشند، ولی باید به خواست‌های آنها توجه کرد.»

هاشمی سنجانی، دومین ناطق پیش از دستور، به تشریح انواع آزادی و سوءاستفاده «کج‌روان» از آن‌ها پرداخت. پس از پایان نطق‌های پیش از دستور، علی‌اکبر پرویز، نایب‌رئیس مجلس، ضمن سخنان کوتاهی به مناسبت سالگرد شهادت دکتر مفتاح، از وی تجلیل کرد. پرورش همچنین از دو پاسدار همراه دکتر مفتاح نیز، که به شهادت رسیدند، تجلیل کرد.

آنگاه مجلس وارد دستور شد و ابتدا گزارش کمیسیون مسکن و شهرسازی در مورد نحوه اداره بنیاد مسکن و دفتر معاملات مسکن مطرح گردید.

مخبر کمیسیون مسکن در توضیح این طرح گفت: «به فرمان امام بنیاد مسکن با حساب ۱۰۰۰ شروع کار کرد و در بیشتر شهرها کارش را به نحو قابل ملاحظه‌ای انجام داد. دلیل عمده یسررفت کار بنیاد مسکن این بود که این بنیاد عمدتاً با نیروهای مردمی و کمک مستقیم آن‌ها متکی بود. ولی به علت پاره‌ای ناهماهنگی‌ها در کارها و بعد از تشکیل دولت، ضرورت ایجاد هماهنگی در کار مسکن، احساس شد. بدنبال این ضرورت، وزیر مسکن در مورد ایجاد هماهنگی با امام صحبت کرد، که ایشان موافقت کردند.»

وی افزود: «معاملات مسکن هم کار خود را براساس مصوبه شورای انقلاب آغاز کرد. براساس این مصوبه

بمناسبت چهلمین روز شهادت سیمین

اینک چهل روز از شهادت سیمین سپین این دختر جوان توده‌ای میگذرد که در جبهه آبادان به خیل شهادی پیشمار انقلاب ایران پیوست و جاودانه گشت.

چهره مناسبت این شمار خود ساخته مردم که بدنبال هر شهیدی، فریاد «شهیدان زنده‌اند» را تکرار میکنند. شهید راه انقلاب، در وجود هم‌زمانیکه راه او را ادامه میدهند؛ در تحول فکری که در اطرافیان خود بوجود می‌آورد؛ در تحریک و توانی که به سایر مبارزان میدهد و راه‌پیمایی را هموار میسازد، ابدیت می‌یابد. شهید، با اینار و جانبازی در راه مرام و آرمانهای والای خود را بدیگران می‌آموزد. شهید درخراطه مردم و در تاریخ خلقها زنده و جاویدانست. شهید...»

درباره مادر سیمین سلامی زاده، این شیرزن خوزستانی، رفا، داستانها نقل می‌کند بطوریکه همه مشتاق زیارتش هستند. اینک او را در ماهش می‌توان یافت. برای تجدید خاطره سیمین، در چهلمین روز شهادتش، خوانندگان نامه «مردم» و تمام شیفتگان راه سیمین را همراه این سلطوره به دیدار و گفتگویی ولو کوتاه با مادر سیمین میرسیم.

جمعه ۱۴ آذر در منزل یکی از رفقای ماهشیر به دیدن مادر و خواهر کوچکتر سیمین میشتابیم. چادر سیاه و مقنعه‌ای که بسته بود، سیما آرامش را ابدیت خاصی می‌بخشد. آرام و غمگین در کنارش می‌نشینیم. رفقای جوان، از دختر و پسر درش حلقه زده بودند و همگی او را مادر خطاب می‌کردند. پیش از آنکه سخنی بر زبانها جاری شود، قلبهای آنکند از خشم نسبت به دشمنان انقلاب ایران، و دیدگان سرشار از امید به آینده، بیانگر همدردی و همبستگی همه رفا و دوستان و کسینی مرکزی حزب سیمین به خانواده سلامی زاده میشود. یعنی ما می‌کشیم باغلبه بر احساسات

با پشتیبانی از...

بقیه از صفحه ۱

ایران و کوشش برای مقابله با آن.»

این واقعیتی است که اهانت به مقام پرچم رهن انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و هجوم به روحانیت پیرو خط امام، برخلاف ادعاها، نه برای از دست رفتن «آزادی» و نه برای آنست که کویا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پایمال شده است، بلکه درست بخاطر آنست که امام خمینی و روحانیت پیرو خط امام، وفادار به اهداف عالی انقلاب، ابعاد ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب را گسترش داده و آنرا تعمیق نمودند.

امام خمینی، رهبر با درایت انقلاب، و آن بخش از روحانیت مرفه‌تری، که به پیروی از امام، به دفاع از انقلاب ایستاده است،

برقراری اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیسم و دمکرات ایران در جبهه متحد

عملیات موثقت‌آمیز انقلابیون السالیان دور علیه رژیم دست‌نشانده این کشور

نیروهای سیمین دوست و تریخو امسالوادور در نزدیکی پایتخت این کشور در رشته عملیات نظامی موثقت‌آمیز انجام دادند. مقامهای رژیم وابسته السالیانودر اعتراف کردند که در جریان این عملیات عید زبانی از سرسازان مزدور کشته و مجروح شدند. از سوی دیگر تریوریستهای جویخانه‌های راستگرا که از حمایت دارو دسته نظامی حاکم برخوردارند در ۴۸ ساعت گذشته به تروهای چنانیکارانه خود ادامه دادند. در نتیجه این عملیات فاشیستی جمعا ۵۰ نفر از مبارزان کشور کشته شدند.

«القاء ایدئولوژی»

«امروز اگر حزب توده در خط امام سیر می‌کند و زیر عیای آخوندها به ارباب‌باش گام می‌گذارد، خدمت میکنند... عجیب نیست، آخوندیسم و توده‌یسم از یک آبخشور آب می‌خورند و سیر یک از آنها... به شام می‌آیند که همان اتحاد سرخ و سیاه و همان یگانگی منافع دو استعمار کهن در ایران است... (هفته از) اتحاد نامقدس سرخ و سیاه توطئه‌های شوم و بدفرجامش در دوران دکتر مصدق باخبرند.»

(رادوی اویسی، ۱۶ آذر ۵۹)

«پس از شهریور بیست سالگهان و خیلی حساب شده با کمک شوروی، حزب توده موجودیت خود را اعلام کرد... میوه نفاق و کارشکنی‌های حزب، کودتای ۲۸ مرداد ۴۲ بود... روسیه از گذشته به اندازه کافی پند گرفته و اشتباهات گذشته را تکرار نمی‌نماید. روسیه اکنون تقسیم وظایف نموده و با ایجاد چندین گروه هروظیفه‌ای را بدست یکی سپرده است. حزب توده موظف است با کمک روابط خود را بر خط امام بخواند و با تبهت و افتراهای گوناگون، گروهی از مسلمانان را از میدان بدر کند... در این میان مسلمانان هم بی‌توجه به نقشه‌های منافقین متعدد روسی هر آنچه را که آنان میگویند، ایسان طوطی‌وار ذکر می‌کنند.»

(امین، ۸ آذر ۵۹)

امام در موضع مبارزه با امپریالیسم ایستاده بودند، آنوقت نه امپریالیسم آمریکا کمربند ناپودی او می‌بست و نه «سوکوران آزادی» چنین هیاهوس می‌دادند و کارشکنی آغاز می‌کردند. این قابلیت انقلابی امام خمینی و روحانیت پیرو اوست، که چنین خشم و کینه امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب پروردارش را برانگیخته است.

در این هفتمین توطئه نیز، مانند شش توطئه پیشین، امپریالیسم آمریکا دچار خطا و پندار است، و این خطا و پندار از به حساب نیاوردن عامل مردم ناشی میشود، مردمی که با یکدست اسلحه بر گرفته و علیه تجاوزان صدامی می‌جنگند، با دست دیگری به تقویت مواضع اقتصادی انقلاب مشغولند و با تمام هستی خود از امام خمینی، رهبر آشتی‌ناپذیر، روحانی پارسا و مدافع توده‌های محروم، دفاع میکنند، در محاسبه

هر روز ضربات جانانه‌تری بر مواضع امپریالیسم و سرمایه‌داری وارد می‌آورند. سیاست خارجی ایران آشکارا بسوی پیوستگی با کشورهای ضد امپریالیستی جهان و گسستن از کشورهای ارتجاعی گرایش یافته است. در داخل، با طرد لیبرالها از مواضع کلیدی و گرایشهای مثبت در تصور و تحول سیاستهای بازرگانی، ارضی، آموزشی، گمرکری و غیره، افق‌های نوینی گشوده شده است، که به پیروی بسیاری امپریالیسم غارتگر و طبقات استعمارگر داخلی، دلپذیر نیست. مخالفت با امام خمینی و روحانیت پیرو خط امام از چنین غده چرکین و عفنی تراش میکند. بقول امام خمینی: «اینها با روحانی خوب مخالفتند، بسا بدها مخالف نیستند.»

اگر امام خمینی و روحانیت پیرو خط

لیبرال‌ها خواستار چه جامعه‌ای هستند؟

می‌کند.

لیبرال‌ها مدافع نظام اقتصادی وابسته به امپریالیسم

یکی از سخنگویان بورژوازی لیبرال ایران می‌گوید: تمام مرادها (که رسم محمد رضا یا امپریالیسم است)، "به نفع طرف" و "بضرر ماست". اما:

"جنین جاده‌های ویلی که دستگاه‌های گذشته کنده‌اند، مملکت به ناچار باید درون آن بیفتد و خفه شود". (ارسخراسی، اوایل خرداد ۵۸)

یکی دیگر از سخنگویان بورژوازی لیبرال در مورد سرمایه‌داران عارضی که با بهای ریم محمد رضای مسور در داخل بر روی آن‌ها قرار داشت، می‌گوید:

"تمام مصادر صنعت و تجارت مملکت احساسی خطر می‌کنند، نمی‌دانند کجا باید بناه ببرند، نمی‌دانند کجا بروند و تنظیم کنند... صاحبان نفت و تجارت را دعوت به کار کنید. این بزرگ‌ترین عامل برای رفع بیکاری خواهد بود".

(ارسخراسی، نحسین مدیر عامل سرب در دولت موقت، در ککسره خودآمان، اوایل خرداد ۵۸)

لیبرال‌ها مدافع فتودال و بزرگ مالکان

"دستور فرماید وسیله ادارات تابعه در اقصی نقاط حوزه آن مدیریت، به کلیه زارعین که عدوانا (!) اراضی و موسسات دیگران را تصرف کرده‌اند، اعلام گردد تا تاریخ ۱۸ خرداد سال جاری نسبت به استرداد اراضی مورد تجاوز (!) به صاحبان اصلی (!) اقدام نمایند. در غیر این صورت در پایان مهلت مقرر علاوه بر قطعید از کلیه کمک‌های دولت محروم خواهند شد، یعنی هیچ‌کدام از محصولات آن‌ها خریداری نمی‌شود و به آنها وام داده نمی‌شود و حتی در مورد دهقانانی که از طریق اصلاحات ارضی زمینی به آنها داده شده‌است، پس گرفته می‌شود".

(حسنامه وزیر کشاورزی دولت موقت، بهار ۵۸) "اصلا ما قبلا هم فتودال ندانستیم، چرا که پس از اصلاحات ارضی (مقصود اصلاحات ارضی شاهانه است)، هیچ‌کس مالک بیشتر از یک ده نبود... بعد از اجرا شدن مراحل اول و دوم اصلاحات ارضی، ملاحظه می‌شود که دیگر کسی در این مملکت حتی یک ده شندانگ هم ندارد و هم‌اکنون قسمت شده‌است و بزرگ مالکی مطلقا نیست". (از سخنان وزیر کشاورزی دولت موقت) و هنگامی که قدرت از کف لیبرال‌ها به در می‌رود و از فتودال‌ها و بزرگ مالکان، که گویا وجود ندانند، سلب مالکیت می‌شود و سوده‌های میلیونی دهقانان، از هیئت‌های ۷ نفری زمین دریافت می‌کنند، لیبرال‌ها می‌بوسند:

"کلیه احکام و قوانین، حوزه مربوط به زمین و مسکن و کارخانه‌ها و تعدیل ثروت یا مصادرات و مجازات‌ها و اسام آن... باید متوقف ماند".

لیبرال‌ها مدافع سرمایه‌داری وابسته

لیبرال‌ها فریاد اعتراض برداشته‌اند که: "اسلام دین تسلیم‌است، نه عصیان" و "کار را به جایی رسانده‌اند که ابودر به نام

حدی پس حجال بر سرودایی از محاسن لیبرال بر حساب و معصا را بر کرد. نمایندگان وابسته به اس "خط" در سحرهای، نامه‌های سرکاده و مقالات، با آزادی کامل یکصد فریاد برداشته‌اند: "ایمانی آزادی" سبب، "عسولای احسان"، که "ساح و دم" هم ندارد. همه‌جا را به سر ساه، محوف خود کریمه است. می‌خواهد "دیکتاتوری مسعفس" برقرار کند و ما را که "فقط!" حواسار تعسف در هوای "آزادی عسور" عسقم، حقه کند. "ای آزادی، ای موهب بزرگ می‌خواهد بورا از دیگران ایران شیرد"، "می‌خواهد همان حو رمان ساه مطلوع را دوباره بر مهب ما حاکم کند"، "می‌خواهد دیکتاتوری برولساربا برقرار کند!"، "دارد حطم مارکن را برهم می‌ریسد!"...

لیبرال‌ها، که با آزادی کامل هرچه می‌خواهد، در عهد حا می‌نویسد و می‌بوسند، چرا احسان "حتمان" می‌کند؟ حکوه "آزادی" می‌خواهد؟ "آزادی" برای چه می‌خواهد؟ لیبرال‌ها سخ حواهد داد: "آزادی برای ساختن جامعه‌ای که مورد نظر ماست".

کدام جامعه؟

لیبرال‌ها در این مورد کمر دم به نلسه می‌دهند. آن‌ها از جامعه مورد نظر خود بسیار کم سخن می‌گویند. آن‌ها فقط فریاد بر می‌دارند که: "آزادی" سبب و حفقان است، و حد گداسرنا که در رای آزادی ظلم می‌رسد و چه عرس‌های حسم آکس که سار "حتمان" می‌کند.

اس ظاهر را حراس سدهیم و سیم که در زیر اس ظاهر حوس آت و رنگ و دلفریب، چه واقعیتی سهاں شده است و لیبرال‌ها "آزادی" را برای ساحب چه جامعه‌ای طلب می‌کنند و از چه "حقفاسی" است که می‌یالسد.

ما برای سادس دادن تصویر واقعی اس جامعه مورد نظر لیبرال‌ها، سلاس کرده‌ام که از رمان حسویان و ارگان‌های اصلی بورژوازی لیبرال ایران، اس "جامعه آزاد" را از میان کوهی از حطم برداری‌ها و سخاس زیبا در دو سالی گذشته، سرور آوریم و آن‌را در عرس افکار عمومی مردم اعطاسی ایران فرار دهیم. ما در اس‌جا نیاری به دکر اسامی اسراد و جراید نداریم، زیرا که اولاً ما را با نظرات و خط مسی‌ها سرور کار است و به اسراد، و نانیاس اسخاص و جرایدی که از آن‌ها سطل مول کرده‌ام، جهره‌های آساسی هستند. ساعد که جامعه مورد نظر لیبرال‌ها حضم کسای را که ساحوسه فراروسود دام حوس مطر "آزادی" لیبرال‌ها اسر شده‌اند، سکشاید و آسان را که ساحوسه به سس‌برد اسمال لیبرال‌ها ساری می‌رساد، سسهار سارد.

لیبرال‌ها مدافع دولت شاهنشاهی پهلوی شاه

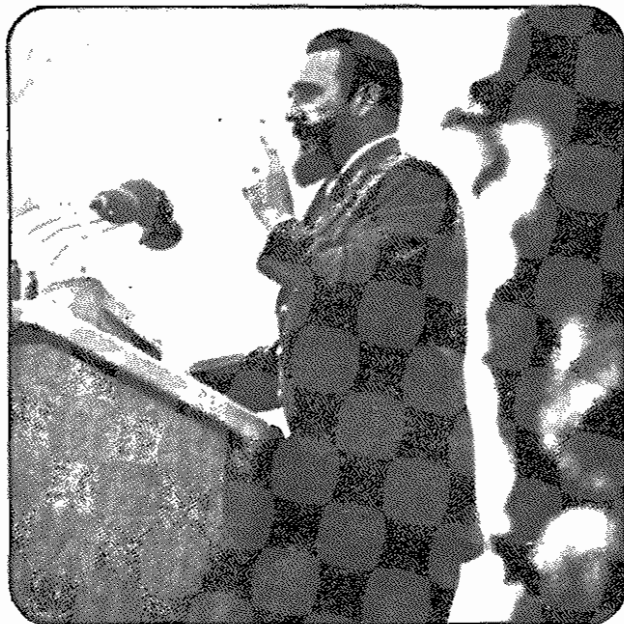
دولت مورد نظر لیبرال‌ها، دولت انقلابی سبب، "نظام مسروطه است، منهای سلطنت" (از سخراسی یکی از سخنگویان بورژوازی لیبرال ایران در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، ۲۳ اسفند ۱۳۵۷)

و اس دولت "حق ندارد از قوانینی که تصویب نشده، استفاده کند".

(هماسجا) لذا دولت لیبرال‌ها "در همان نظام سابق (نظام شاهنشاهی)" و "قوانین موجود" (قوانین محمد رحساناهی) عمل

به مناسبت تشکیل دومین کنگره حزب کمونیست کوبا

کوبا و انقلاب ایران



فیدل کاسترو، رهبر انقلاب کوبا

"در ایران یک انقلاب مردمی به وقوع پیوسته است. این غیر قابل انکار است. این انقلاب دارای قدرت خارق‌العاده‌ایست. وظیفه ما پشتیبانی و ابراز همبستگی با ایران است." از سخنرانی رفیق فیدل کاسترو در تظاهرات ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۹ (اول ماه مه ۱۹۸۰) در هاوانا

"کشور کوبا وظیفه مقدم خود می‌داند که مراتب تایید و حمایت خویش را از انقلاب ایران ابراز بنماید، زیرا ما علیرغم فاصله‌ای که بین مرزهایمان هست و تفاوت‌های موجود میان سنن و زبان‌مان، در مبارزات ضد استعماری و ضد امپریالیستی مردمان، که همواره از سوی دولت‌های ظالم و دست نشانده سرکوب شده است، متحد هستیم.

از اظهارات نماینده کوبا در کنفرانس بین‌المللی بررسی مداخلات آمریکا در ایران تهران، خرداد ماه ۱۳۵۹

بما خاسته‌اند و درست به همین دلیل مورد هجوم وحشیانه امپریالیسم آمریکا و مردوران آن قرار گرفته‌اند، مورد سرزنس قرار می‌دهند که:

"وقتی با جسارت و حدت بی‌سابقه پنجه در پنجه ابرقدرتی حون آمریکا اندازیم (آمریکایی که "بمب اتم و قدرت بی‌پایان... در حننه‌دارد") چرا نباید لاقول قسمت عمده مسایل و مصادب را ناسی از این حملات و اقدامات دانست؟ (هماسجا) آسها مردم انقلابی ایران را به مسخره می‌گیرند و آن‌ها را به مناسبت برداشتن "لقمه‌های بزرگ از دهان"، استهزا می‌کند:

"جملقمه‌های بزرگی که برداشته شد و در مسیر تحول عجیب انقلاب، چه هدف‌های عظیم چون بیروزی دادن مستضعفین جهان بر مستکبرین و منهدم ساختن دولت قاهر غول بیکر آمریکا را اتخاذ و اعلام نمودیم... با روی دم بلنگ گذاشتیم."

لیبرال‌ها مردم را "نصحت" می‌کند که: "مجری برنامه‌های آنها و چیزهایی که جلوی پایمان می‌گذارند، مثلا می‌خواهند مار امپریالیسم را به دست... اسلام و ایران... بکشند، نسویم." (هماسجا)

لیبرال‌ها، با رزنسکی‌ها، دور از حسم مردم ایران، محرمانه ملاقات می‌کند و همواره آماده همکاری با امپریالیسم آمریکا هستند: "مقابلای اطمینان دهیم که جمهوری اسلامی ایران نیز در مسائل و مصالح مشترک دو کشور، آماده همکاری با آمریکا هست."

لیبرال‌ها دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را محکوم می‌کنند

دانشجویان مسلمان سربو خط امام، مورد حضم و غضب و توهین و افتزای لیبرال‌ها فرار گرفتند. لیبرال‌ها در ایحا نیز صدیت آسکار خود را با خط امام نشان دادند و در حالس که اسام حضمینی بقیه در صفحه ۴

اسطوره مبارزه با سرمایه‌دار معرفی می‌شود. لیبرال‌ها، از اصل "تقدس مالکیت" که مسود غارتگران بزرگ سرمایه‌دار و مالک است، مرافعه می‌کنند:

"کار به جایی رسیده‌است که... در بعضی از نهادها گویی اصل مالکیت به کلی لغو شده‌است و مصادره کردن، کار ساده و بیسپا افتاده‌ای شده‌است."

لیبرال‌ها که ظاهرا دم از قانون اساسی و اجرای آن می‌رساند، با اصل مهم ملی شدن بازرگاسی خارجی و ایجاد بخش دولسی در توزیع داخلی، به نندت مخالسد. اصلی که اجرای آن ریشه سرمایه‌داری وابسته و تسر طفیلی‌وغارتگری را که سهور در بازار وجود دارد، خوادد کند:

"دولت اگر بخواهد خریدار و فروسوده خوبی باشد که نقض غرض کرده و باری بر دوش خودش اضافه نموده‌است."

لیبرال‌ها، امپریالیسم آمریکا را دشمن نمی‌دانند

لیبرال‌ها، آمریکا را دشمن نمی‌دانند و نوطئه‌های جاسنکارانه آمریکا را به مظلور سرکوسی جمهوری اسلامی ایران و غرق کردن دستاوردهای انقلاب ایران در خون مردم ایران، "رضی" و "ساخنه سبروهای جب اعلام می‌کند:

"نوطئه‌های فرضی امپریالیسم آمریکا را، که برای آن‌ها اصالت دارد و دشمن شماره یک مکتبی‌شان می‌باشد، پیش می‌کشند."

(از نامه سرکشاده یکی از سخنگویان بورژوازی لیبرال ایران، او اسط مرداد ۵۹)

لیبرال‌ها، به مردم ایران می‌گویند که تمام دشواری‌هایی که آن‌ها تحمل می‌شود، تقصیر خود آنهاست و اگر با آمریکا حنن رفتار نمی‌کردند و "مقول" تر بودند، به جسی وضعی دچار می‌شدند! آسها با آزادی کامل و جسارتی بی‌سابقه مردم اخلاسی ایران را، که به خاطر کسب اسقلال و آزادی

زمینابوه هر روز دامنه بیشتری پیدا می‌کند. در شاخ آفریقا ما می‌بینیم که سومالی تبدیل شده به یک تفنگدار امپریالیسم آمریکا. برای فشار آوردن به جمهوری تازه آزاد شده آیبوی، همه اینها را ما می‌بینیم. ولی به نظر ما دهه آینده دهه بیروزی‌های با هم چشم‌گیر تر به سود نیروهای خلقی در جهان، به سود خلق‌های محروم در دنیا، به سود باز هم بیشتر آزاد شدن تعداد تازه‌ای از این خلق‌ها و به زیان مواضع امپریالیسم خواهد بود. امپریالیسم برای هیچ یک از بحران‌هایی که الان درگیر آن هست، نمی‌تواند راه حلی پیدا کند. چه بحران اضافه تولید، که به صورت بحران بیکاری وحشتناک درآمده است و چه بحران تورم. با بحران انرژی هم به این آسانی نمی‌توان روبرو شد. مسلما در ده سال آینده با تحولات باز هم عمیق‌تری که در مناطق تولید کننده مواد انرژی، بخصوص در کشورهای نفت‌خیز، می‌شود انتظار داشت، بایستی قبول کرد که بحران انرژی هم دنیای سرمایه‌داری امپریالیستی را دوباره به لرزه در خواهد آورد و بحران اخلاقی و انسانی هم که به‌طور وحشتناکی این کشورها را گرفته است. تنها چیزی که اینک در کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری افزایش پیدا می‌کند، مصرف مواد مخدره‌است و دزدی و آدم‌کشی و فحشا. در دنیای مقابل، یعنی در کشورهای سوسیالیستی، وقتیکه ما را آنه‌انگاه حکیم از پدیده‌هایی مانند مصرف مواد مخدره و فساد و غیره اصلا اثری نمی‌بینیم. از سوی دیگر، تولید اجتماعی، آموزش عمومی، تعداد دانشکده‌ها، تعداد دانش‌آموزان و دانشجویان، دانشگاه‌ها، تعداد پزشک‌ها برای هر هزار نفر، تعداد مهندس‌ها برای هر هزار نفر، همه اینها در حال رشدی سابقه یعنی رشد شتاب‌گیر است. این جاست مسابقه واقعی بین دو سیستم جهانی، یعنی دو سمت‌گیری جهانی: سمت‌گیری به طرف صلح، آزادی، اسقلال و

برسش... به از صفحه ۹

است. ما می‌بینیم که فشار روی خلق ویتنام از طرف چین، از طرف رهای وابسته به امپریالیسم در اطراف ویتنام هر روز بیشتر می‌شود. چین تحریکات سرحدیش هر روز دامنه وسیع‌تری می‌دهد. نیروهای ارتجاعی ری کامبوجیا که الان در کشور همسایه زیر حمایت و با کمک امپریالیسم یگا جان می‌گیرند خود را برای حملات شدیدتری به کامبوجیا آماده کنند. هدف آنها هم تنها کامبوج نیست، بلکه عبارت از این است که در یت موفقیت در آنجا باز ویتنام را مورد حمله قرار بدهند. ماسی بینیم در آمریکا لاتیان فشار به کوبا به کشور تازه بیروز شده در انقلاب آراکونه هر روز بیشتر می‌شود و در اروپا تحریکات امپریالیست‌ها علیه رهای سوسیالیستی دامنه فوق‌العاده گسترده‌ای پیدا کرده است. ما بینیم که امپریالیسم و چین و پاکستان تمام نیروی خود را بکار انداخته برای این که نگذارند افغانستان با آرامش، زندگی خود را در جاده ندگی و رفاه عموم خلق زحمتکش و تغییرات بنیادی در جامعه، بسرای مکن کردن فتودالیسم و سرمایه‌داری وابسته طی بکند. ما می‌بینیم که جنوب آفریقا، آفریقای جنوبی دیگر سبب اتمی با کمک آمریکا و اروپای ی و اسرافیل درست کرده است و با تمام قوا در تلاش است برای این - کشورهای آزاد و مستقلی مثل آنگولا و موزامبیک را دومرتبه زیر سلطه در بیاورد، تحریکات امپریالیسم آمریکا در کشور تازه آزاد شده

پیشرفت اجتماعی، به طرف نابود کردن اختصار فرد از فرد یک سو و سمت گیری به طرف نگهداری ارتجاع جهانی، یعنی تمام آن بردگی‌های دنیای کهنه، که ریشه اولیه‌اش استثمار فرد از فرد است، و به ویژه غارت و استثمار کشورهای در حال رشد از سوی سرمایه‌داری رشد یافته. به این ترتیب می‌شود این انتظار را داشت که روند تحول تاریخی دنیا که با انقلاب اکتبر در ۶۳ سال پیش آغاز و دهه‌دهه، به یزه در دوران بعد از جنگ شتابش بیشتر شد، در دهه آینده باز هم سریع‌تر درجهت مثبت ادامه یابد. جنگ و نبردی سخت در پیشاپیش خلق‌های جهان، نیروهای مترقی جهان، هست، ولی دورنمای بیروزی‌های بزرگی هم در مقابل چنمان ما قرار دارد. مسا می‌توانیم این وضع را، مثلا با جنگ دوم جهانی مقایسه کنیم، که از سال دوم جنگ، یعنی پس از بیروزی عظیم نیروهای شوروی در استالین‌گراد، پس از شکستی که نیروهای آلمان فاشیستی در آنجا خوردند و دورنمای جنگ عوض شد. دیگر معلوم بود که آلمان هیتلری با تمام جناسیات و موفقیت‌هایی که می‌توانست نشان بدهد و با وجود آن‌که قسمت بزرگی از خاک شوروی و تقریبا تمام اروپا را در اختیار خود داشت، ولی می‌رفت به طرف شکست. هر چند ما می‌توانیم در آن دوران بعد از سال‌های ۴۵-۱۹۴۲ حساب کنیم، می‌بینیم که اضمحلال نیروهای فاشیستی و جنگ دائمی شتاب می‌گرفت. حالا هم امپریالیسم هنوز بخش عظیمی از سرنوشته دنیای محروم را در دست و چنگال خویش خود دارد و به بهره‌کشی بخش عظیمی از مردم جهان دست می‌زند. ولی تاریخ نشان می‌دهد که دیگر ناقوس مرگ امپریالیسم به صدا درآمده است و در دهه آینده با گام‌های بزرگی به سوی نابودی و نیستی خواهد رفت. ادامه دارد.

کارفرمایان ضدا انقلابی با تعطیل کارخانه‌ها در روند تولید اخلال می‌کنند

احبار رسیده از برخی کارخانم‌ها، دلالت بر تشدید فعالیت کارفرمایان ضدا انقلابی در سوءاستفاده از مشکلات و ناسامانها؛ برای تعطیل کارخانه‌ها دارد. بهانه‌های توقف و تعطیل کوناگون است؛ از فقدان وسایل یدکی و مواد خام گرفته، تا قطع برق و کمبود آن. بهانه تعطیل شده است. تا آنجا که ما اطلاع یافته‌ایم:

* کارفرمای شرکت ساختمانی خور دین، جلدی بین ضمن اطلاعیه‌ای به کارکنان خود ابلاغ کرد که به علت کمبود مصالح ساختمانی و نیز فقدان امکانات، ادامه عملیات ساختمانی متوقف می‌شود و کلیه کارمندان و کارگران شرکت، از این پس سمنی خواهند داشت. اما کارکنان مدارک می‌بایست برود دلیل کارفرما در تعطیل کارخانه را قانع داده اند.

* کارفرمای کارخانه فرش وپتوی مازندران، در نخستین روزهای آذرماه، کارخانه را تعطیل و در اجرای بر روی کارگران بست.

* کارفرمای کارخانه نساجی شیراز (پارچه بافی ایکار) به بهانه عدم امکان در استتار سریع کارخانه، تولید را متوقف داد، اما مسازیکماه، برای فرستادن کارگران، محبوره است.

* شرکت ما نادر حوکه‌ای گیلان، بعلمت ناسامانیه‌ای ناشی از عملکرد مدیریت در شرف تعطیل است.

* کارخانه اتومبیل سازی (سایپا) جندی است که عملاً متوقف شده. در این کارخانه ۲۲۵۰ کارگر و ۵۰۰ کارمند کار می‌کنند. مواد اولیه کارخانه، که قبلاً از فرانسه تامین می‌شده، پس از انقلاب، بدنیال محاصره اقتصادی کشور از سوی امپریالیسم آمریکا، با تاخیر، کسری و توأم با ضایعات توسط فرانسه تامین می‌شود و مدیران کارخانه عملاً مانع از عقد قرارداد جدید با سایر کشورها هستند.

این بود مشت‌های از خروار

توطئه کارفرمایان ضدا انقلابی، بلافاصله پس از انقلاب آغاز شد، زمانی که عده زیادی از آنان، ماشینها و مواد اولیه را به بول تبدیل کردند و از کشور فریختند، و آنها هم که ماندگار شدند، به کار رکنی در تولید ادامه دادند. با مطلق شدن کارخانه‌های بزرگ، بخش اعظم کارخانه‌ها به مالکیت دولت درآمدند، ولی هنوز کارخانه‌های

زیادی در سراسر کشور موجودند که مسئله مالکیت در آنها حل نشده است، و برخی از صاحبان این کارخانه‌ها به انواع توطئه‌ها علیه انقلاب دست می‌زنند. با آنکه نامه‌های شکوائیه فراوان از سوی کارگران درج‌راید کشور دیده می‌شود، که خواستار روشن شدن وضع مالکیت در این کارخانه‌ها هستند، اما هنوز حدود مالکیت در بخش صنعتی ناروشن است و همین مسئله دشواریهای فراوان را در مناسبات کار و سرمایه بوجود آورده است. سرمایه داران وابسته‌ای که این روزها کرده‌اند ناما رکی و سبزه‌های وورمیسلی یتالیایی را، اگر از زیر سنگ هم‌سده، تهیه و به کشور وارد می‌کنند و با بندوبست با طرفهای بازرگانی خود در کشورهای سرمایه داری، هر نوع کالائی را با چند دست واسطه تهیه و با قیمت‌های بسیار بالا آورده مشتریان طاغوتی خود قالب می‌کنند، آنجا که بای تهیه مواد خام میان می‌آید، قیمتشان لنگ می‌شود و آیه، یا سدر گوس کارگران سرمایه دهنده به بهانه کمبود و فقدان مواد، کارگران را به خیابانها می‌ریزند.

کارفرمایان ضدا انقلابی درست فهمیده‌اند که تعطیل هر کارخانه به معنای کاهش تولید است و گاه حتی تولید به معنی در معیشت مردم و ضربه زدن به انقلاب، بویژه در شرایطی که ما و ارباب یک اقتصاد صنعتی و رشکسته مانده از طاغوت بوده‌ایم و محاصره اقتصادی میریالیسم آمریکا و جنگ تحمیلی رژیم صدام وضع نامساعد تولیدات صنعتی را بی نامساعدتر ساخته است.

کارفرمایان طاغوتی با توسل به توطئه تعطیل کارخانه، هم‌کل تولید کشور را تقلیل می‌دهند و کمبود کالا را آنگاه تشدید می‌کنند و هم‌بیکار کردن گروه‌های جدیدی از کارگران، بیکاری را افزایش می‌دهند و بر نارضایتی‌ها مانع می‌زنند، امید این تشریفدا انقلابی آنست که ما توسل به این توطئه‌ها، انقلاب را از پای در آورده و بار دیگر بساط غارتگری و تشدید استثمار را بگسترند.

زحمتکشان خودگواه آنند که سرمایه داران نوکارخانه داران طاغوتی در مناطق جنگی، به محض شلیک نخستین گلوله دشمن، فرار را برقرار ترجیح دادند، کارخانه‌ها را بستند و به مناطق امن کشور کوچ کردند، و این طبقه کارگر، دهقانان زحمتکش و به قول امام خمینی، مردم کوچه و بازار و خبا با آنها بوده و هستند که در برابر خمپاره‌ها و گلوله‌های امپریالیسم آمریکا سینه سپر ساخته و با جنگ و دندان از سرزمین مادری خود دفاع کرده‌اند.

سرمایه داران نوکارخانه داران طاغوتی نه تنها سهمی در دفاع از میهن انقلابی و راندن دشمن تبکار برعهده نگرفته‌اند، بلکه با تعطیل کارخانه‌های خود، سهمی در پی، ده کردن توطئه‌های امپریالیسم آمریکا تقبل کرده‌اند. اقدام کارفرمایان در تعطیل و توقف کارخانه‌ها، طبقه‌ای است از فعالیت ضدا انقلابی در سراسر کشور. اکنون که توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب مایکی پس از دیگری به شکست انعامیده و آخرین آن، که جنگ تحمیلی رژیم صدام است، با شکست بعضی‌های مزدور عراق، قریب است، امپریالیسم جهان بخوار آمریکا کارگران توطئه دیگری در پشت جبهه شده است که هدف آن ایجاد تشنج و درگیری است. تعطیل کارخانه‌ها، کاهش تولید و بی‌کار کردن کارگران را باید در این مجموعه نگریست.

خطاب ما به کارگران آگاه است که با هشیاری، این توطئه کارفرمایان ضدا انقلابی را

دستفروشان را دریابید!



اولی اظهارات کارگران شرکت هوشیاف به همراه ۱۵ تن از شرکت اخراج می‌شود. بعد از انقلاب که کلیه کارگران باز خرید می‌شوند، به او هیچ چیز داده نمی‌شود. درآمدش کفاف مخارج زندگی را نمی‌کند. در پاسخ این سؤال که: از انقلاب چه انتظاری دارید، چنین گفت:

"ما از مسئولان امر می‌خواهیم که با ایجاد کار برای بیکاران و هم چنین قرار دادن وام در اختیار آن‌ها که استطاعت آن را دارند کسب کارگاه‌های تولیدی و خدمات دایر کنند، قرار دهند."

این‌ها نمونه‌هایی بود از خیل عظیم بیکاران، که مشغول دستفروشی در بندر بوشهر هستند. به این‌ها باید گروه بی‌سار میوه‌فروشان و تعویض روغنی‌ها و... که در حاشیه خیابانها مشغول کارند، اضافه کرد.

زندگی دستفروشان نیز مانند دیگر زحمتکشان و محرومان جامعه بسیار اسفبار است. آن‌ها خواهان رسیدگی به وضع خود هستند. آن‌ها توقع زیادی ندارند و حق طبیعی خود را، که یک انسان برای ادامه زندگی به آن احتیاج دارد، می‌خواهند. امیدواریم که مسئولان امور به خواست‌های به حق دستفروشان پاسخ مثبت دهند.

"بعد از انقلاب انتظار داشتیم مکانی در اختیار ما قرار داده شود، تا با گرفتن وام بتوانیم یک کار ثابت داشته باشیم. اگر دولت این کار را انجام دهد، دستفروشی‌های خود را تعطیل می‌کنیم."

راجع به تهیه اجناس برای فروش گفت:

"تمامی اجناس را که برای فروش می‌آوریم، مجبوریم از تهران و شهرهای بزرگ تهیه کنیم، بعلمت این که غیر از این چاره‌ای نداریم و در غیر این صورت متضرر می‌شویم. بعلمت درآمد کم روزانه، مسافرت و تهیه اجناس نیز دشواری‌هایی برای ما ایجاد می‌کند." یکی دیگر از دستفروشان - اسفندیار نام دارد. در ابتدای بازار قدیم بوشهر به دستفروشی لباس‌های بچگانه مشغول است. او متاهل است و ۷ فرزند دارد. در یک خانه اجاره‌ای زندگی می‌کند. صاحب‌خانه چندین بار به او اخطار کرده بود که خانه‌اش را تخلیه کند. در این جریان دادگاه انقلاب و بنیاد مستضعفین از او حمایت کرده‌اند. قبل از انقلاب در شرکت هوشیاف (شرکت ساختمانی آلمانی که مشغول بنای ساختمان انرژی اتمی در بوشهر بود) در بخش لوله‌کشی کار می‌کرده است. در جریان

بعد از تحریم اقتصادی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، بروج عظیم بیکاران افزوده گردید. و این امر می‌تواند حربه قوی برای سوءاستفاده ضد انقلاب باشد. به همین جهت لزوم اقدامات قاطع و بنیادی از طرف دولت در جهت حل این معضل عظیم، باید انجام گیرد، تا ضدا انقلاب را در این عرصه با شکست روبرو سازد.

زحمتکشان دستفروش در واقع گوشه‌ای از دریای عظیم بیکارانی هستند که برای به دست آوردن حداقل هزینه زندگی به این کار روی آورده‌اند. در حاشیه خیابان‌های بندر بوشهر، قبل از گسوده شدن مغازه‌ها، دستفروش‌ها بساط خود را بهین می‌کنند و مشغول کسب می‌شوند. جیره‌های گرم‌زده و آفتاب سوخته آنها نشانی از خستگی کار روزانه در زیر آفتاب داغ دارند. با آنها که به صحبت می‌نشینیم از مشکلات خود می‌گویند: از بیکاری و کمبود درآمد و گرانی و... گرفته تا نداشتن مسکن و تامین زندگی آتیه. با یکی از آنها به صحبت می‌نشینیم نامش محمد است. وی مجرد است. ۳۵ سال سن دارد. شروع به صحبت می‌کند:

"۴ الی ۵ سال است که دستفروشی می‌کنم و در خانه اجاره‌ای بسر می‌برم. او در مورد مخاطراتی که به علت بی‌سرباهی، از آن جمله خطر دزدیدن اموالشان وجود دارد، سخن می‌گوید و سپس ادامه می‌دهد:

"هیچ‌گونه سندیکا و سازمانی برای احقاق حقوق خود نداریم. از این طریق کسب و کار ناراضی هستیم و اگر مقامات مسئول کاری را برای ما در نظر بگیرند، حاضریم دکه‌های خود را تعطیل کنیم."

درباره انقلاب از او می‌پرسیم، می‌گوید: "ما اکنون آزاد هستیم و می‌توانیم خواسته‌های خود را به گوش مسئولین برسانیم." غلامرضا رضایی، یکی دیگر از دستفروش‌های حاشیه خیابان است. لباس و بارجه و از این قبیل چیزها می‌فروشد. او نیز چهار الی پنج سال است که مشغول دستفروشی است. متاهل است و چهار فرزند دارد. درآمد او نیز کفاف مایحتاج زندگی را نمی‌دهد. از گرانی و کمبود احتیاجات روزانه ناراحت است. درباره کار ثابت می‌گوید:

لیبرال‌ها...

بقیه از صفحه ۳

دانشجویان مسلمان سیرو خط امام را، که لانه جاسوسی آمریکا را تبحر کردند و جرکاب معفس توطئه‌های امپریالیسم آمریکا را بیرون ریختند و با افشای اسامی لانه جاسوسی نقاب از جبهه‌های بسیاری دریدند، "فرزندان عزیز" که ملت را سرافراز کردند، نامید، لیبرال‌ها آن‌ها را مورد بوهی قرار دادند:

"اسم خودشان را می‌گذارند خط امام، خط شیطان‌اند اینهایی که افشا می‌کنند، آخه فلان فلان شده‌ها... بی‌شرف‌اند اینهایی که می‌گویند ما با آمریکایی‌ها راه کج رفتیم و راه سازش رفتیم. اینها ضد انقلابند."

(ارسخرانی یکی از سخنگویان سوررواری لیبرال ایران، در روز ۱۹ اسفند ۵۸ در مسجد جامع نارمک)

لیبرال‌ها:

**آزادی و عفو برای ضدا انقلاب
معدودیت و خشم علیه نیروهای
مدافع انقلاب**

لیبرال‌ها، ار همان روز نخست با مجارات مدافعان و جنایتکاران رژیم سلووی مخالفت کردند و عمل دادگاه‌های انقلاب را

افشا کنند و مانع از اجرای آن شوند. خطاب ما به مسئولان مملکتی است که با روشن ساختن حدود مالکیت در بخش صنعتی، به ملی کردن کارخانه‌های غیرمشمول

اقدام کنند. ضمانت دولت می‌تواند با وارد کردن مواد خام و اولیه از کشورهای بی‌خواهان مناسبت عادلانه و برابر حقوق بازرگانی

با ما هستند، سدر راه توطئه کارفرمایان سود و بهانه را از آنان بگیرد. مدارا با ضدا انقلاب به زیان انقلاب است

این تصویر کوتاه، ولی دقیق، واقعیت کامل جامعه‌ای است که لیبرال‌ها در صدد ایجاد آن هستند. هشیار باشیم!

سود انقلاب در این است

* ادامه فعالیت هیئت های هفت نفری * ادامه اجرای قاطع و کامل قانون اصلاحات ارضی

طرح شورای انقلاب در مورد واگذاری و احیاء اراضی، که تا تاخیر، اما سرانجام به سود انقلاب و استقلال و آزادی ایران و درجهت رشد اقتصادی کشور بتصویب رسید، و نا اמצاء و ناپدید آیت الله منتظری و آیت الله مشکینی، یکبار دیگر خط سیران اسلام راستین، خط خلقی امام خمینی را از خط روحانی-سایان و وعاط السلاطین جدا کرد، خون تازه ای در رتبه های دهقانان رحمتکش به جریان انداخت و گام مهمی به سوی تعمیق انقلاب و صلح به هدف های اساسی آن به شمار رفت. دهقانان سیرمیس و کم- زمین، این دستها و باروهای رنج و کار، با جان و دل از تصمیم شورای انقلاب دایره به رهنمائی کردن فتوای امام خمینی کردند. آنها به عیان دریافته اند که ادامه فعالیت دست عاریتران و عاصیان را در تمام سطوح با قدرت و سواد حسی قطع می کند. برپا معلق به رنج-دیدگان و محرومان است و حاصل یک عمر صفت و رنج دهقانان را به آنها باز می گرداند و حتی را به حیدر می رساند. دهقانان به درستی از انقلاب بزرگ صد امریالیسی و حلفی خود انتظار احیاء اصلاحات ارضی واقعی و سیادی را داشتند و دورهای اجرای آن را دیدند.

سپاه انقلابی تازه، فعال، مردمی، مکی به مردم و حضم روزگوشان محبر و عیبی برسد. در سراسر میهن انقلابی، هیئت های هفت نفری شروع به فعالیت کردند. در هر محل دو نفر از اعضاء هیئت به انتخاب خود دهقانان برگزیده می شدند و ۵ س دگر نمایندگان سپاه های انقلابی و ادارات دولتی مسئول بودند. هیئت های ۷ نفری، مأمور اجرای قانون واگذاری زمین مصوبه مورودین ۵۹ و آیین نامه اجرایی اردیبهست ۵۹، درکار نهادهای انقلابی، از جمله جهاد سازندگی و ناسداران مردمی، برای رهنمائی کردن بزرگ مالکی به نام خاندان و تأیید امام خمینی و سنیایی ملبوسی دهقانان کار خود را دنبال کردند. در برابر این جنبه انقلابی و تحول حسی، یک جنبه صد انقلابی و سازداریه قد علم کرد. زمین داران بزرگ و جمالی داران آنها و روحانیان مانا وابسته به آنها و مخالف با خط امام و لبرال های دستیار آنها و موافق با لفظه صاحبان روز و زر از هیچ بوطنه ای روگردان شدند. این نگاه امریالیسم و صد انقلابی اعمال اوعاء فشارها کوسیدند تا تاخیر و توقف به روند انقلاب صبره شد و آنرا، به منزله عقسیتی و عدم کارایی سپاه های انقلابی نامود سارد. از این راه آنها کوسیدند تخم پاس و بومیدی در میان دهقانان سرازند و انقلاب را تضعیف و سالوده حاکمیت و مالکیت عاصانه خود را مستحکم کنند. در این شرایط است که اطلاعاتیه ستاد مرکزی هیئت های هفت نفری در مورد توقف، هر چند موقتی، اجرای سد "ج" طرح

واگذاری زمین مسر سد و ناعسا یافت گردید. عدم اجرای قانون مصوبه شورای انقلاب، حتی بصورت تعویبی موقتی، در حقیقت است که می تواند سببهای مرم انقلاب را برآورده سازد و به حل یکی از حاد ترین مسائل میهن انقلابی ما کمک کند. برعکس، می تواند دستاویز و سببهای برای ادامه حاد و غارت بزرگ مالکان و عاصیان فرار گیرد، در صورتی که همه می دانسد - همان طور که امام خمینی گفته اند - غالب این مالکها از طریق سد سازی و تصرف عدوانی به دست اربابان امده است و در واقع اگر می شود، اکثر این زمین ها یا غصبی است یا عمدا به سر کس می رود. سایرین عمل غشبه های هفت نفری در آنها کاملاً ضروری است.

در این شرایط حاس که میهن انقلابی ما به حثت آمریکا و دارودسته صدام مسول است، نمی گذارند اس اراضی در دست اربابان به اسم توقف سد "ج" به خود کفائی کشاورزی و استقلال اقتصادی صبره خواهند بود. بدون یک برای مسئولین صادی و با حسنیب و انکاری زمین این سببه وجود ندارد که می توان یک را رام کرد و با عدم اجرای سد "ج" زمین داران بزرگ را گویا می توان تسویب کرد که به خود کفائی کشاورزی کمک کند. آنها به درستی می دانسد که این عارتگران هرگز به مکر آن بسسد که عدم برداشت محصول در مناطق جنگی را حسان کند. آنس ردن خرمن ها، تحریب کسب ارها و لمسه ما و حرات کاری های عدیده سان داده است که صن اربابان عارتگر برای نظام سوسیده ساغی و آمریکایی

در سراطی که صد انقلاب ارحارح و داخل کشور علمه انقلاب فعالیت کسبردهای را آغاز کرده است، ساند اجازه داد که لبرال ها، عوامل مالکان بزرگ، حاداران، روحانی-سان، که همه درجهت مخالفت خط امام و اهداف انقلاب عمل می کنند، موقی به "آراد" گداسن عاصن و عارتگران در مکتدر حون دهقانان رحمتکش سوند.

انقلاب ماههین درانت رنجر انقلاب و فعالیت ملبوسها دهقان رحمتکش و هساری مسئولان انقلابی سعهد اجازه خواهد داد که سسد، عمر افساد کسور در دست های حادولگر سانک و فاسد فتوای های بزرگ فرار گرد.

سار انقلاب ما و ضرورت سراط سارحسان ناسی ارحک و سسد بوطنه های امریالیسم آمریکا، حکم می کند که با ادامه اجرای کامل طرح شورای انقلاب، دستمالکان بزرگ در منطقه حقه گردد و زمین صاحبان اصلی آن سرگردانسد و ملبوسها دهقان رحمتکش و سسدده به انقلاب اسدوار سوند.

مالکان بزرگ، نایگاه امریالیسم و صد انقلابسد، عارتگر و روزگو، مانع رشد اقتصادی، حراتکار در حقه به سبب حقه-هسد.

دهقانان رحمتکش سانگاه سیرومد انقلاب، نخون مهم ارس سسد ملبوسی هسند، رنج دسد، ولی صاحب حق هسد، در رشد سبسد و کت سسر سدفع هسد وحه در سگر و حه در کسزار سیروی مهم مقاومت در برابر حاور و بوطنه سمار می روند.

هر قدر رودر دوره، موقع تعویب اجرای سد "ج" نایان اسد، سسد به سود انقلاب اسد. هسندمای هفت نفری هر قدر، سسر مورد حمایت سپاه های انقلابی و مسئولان آگاه قرار گردسد، سسر به سود انقلاب اسد.

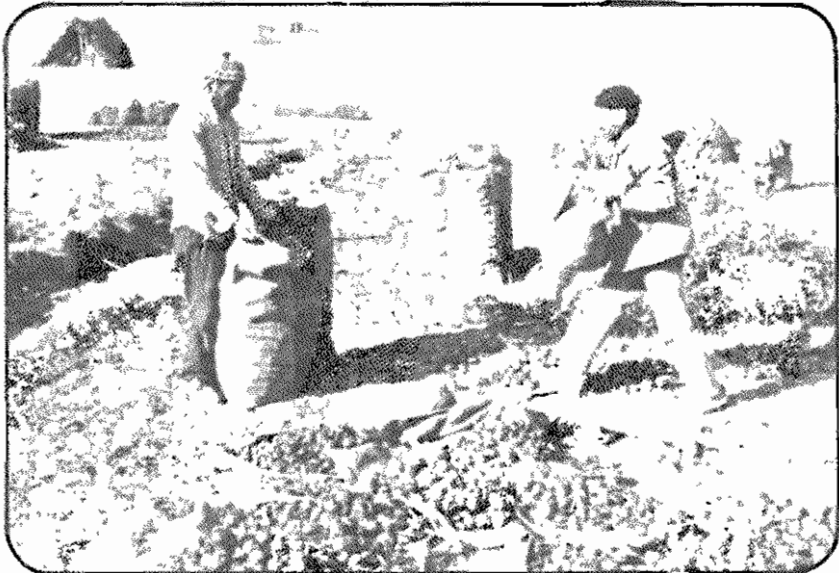
ادامه فعالیت هسندنا ارحم- اکون و در تمام مناطق ساعدودر مورد سدهائی اربابون، که می توانسد غالب اراضی مالکین بزرگ را در بر گیرد، به سود انقلاب اسد. برت مالکی اسد حقا و کلا رسدی سوند. این وطبه، حسی و ناگزیر انقلاب و سراط سدوم، سلامت و سسرمت آن اسد.

اراضی مشمول قانون اصلاحات ارضی فراوانند

مگر چه سریعتر این قانون را به اجرا در آورید

روستای گلستانه، واقع در بخش طغوز خلیجستان و از توابع شهرستان قم است. این روستا تا مرکز بخش ۵ کیلومتر فاصله دارد. در روستای گلستانه در تابستان ۲۵ خانوار زندگی می کنند و در زمستان، به خاطر درس بچه ها این عده به ۱۳ خانوار تقلیل می یابد. اهالی روستای گلستانه به کشاورزی و دام داری اشتغال دارند. تعداد خانوارهای کشاورز ۱۲ تا است. در روستای گلستانه ۴ خانوار فاقد زمین هستند و نصفه کاری میکنند. سایر خانواده های کشاورز هر کدام بین ۳ تا ۲۰ هکتار زمین دارند. زمین های بسیار زیاد و در مقابل آن آب برای آبیاری بسیار کم است. آقای حسن باقری می گوید: "۱۵۰ جوان بی کار این روستا در قم هستند. اگر آب در ده باشد، دیگر به قم نمی روند و نیز عده ای از جوان ها در شهریار صیفی کاری می کنند. روستای گلستانه فاقد درمانگاه و دیگر امکانات درمانی است و فقط پزشک از سوی جهاد به این روستا اعزام می شود. فاصله روستا تا نزدیکترین درمانگاه یعنی گازرون ۱۸ کیلومتر است. روستای گلستانه همچنین آب لوله کشی ندارد و آب مصرفی اهالی از قنات تامین می شود. در این روستا شورا تشکیل شده است. قنات روستا به وسیله جهاد لایروبی شده است. روستا مدرسه دارد، ولی معلم ده هفته ای در روز می آید و بچه ها به طور پیگیر آموزش ندیده اند. یکی از اهالی روستا دیلم دارد و یکبار است و حاضر است معلم روستا بشود. اینک که متأسفانه اجرای بند "ج" قانون اصلاحات ارضی موقتا به تاخیر افتاده است، باید هر چه بیشتر از هیئت های هفت نفری حمایت کرد، تا آنها فعالیت خود را ادامه دهند و به اجرای

پیاز کاران آذربایجان شرقی



در آذربایجان شرقی ۶۰۰ هکتار زمین زیر کشت پیاز است، که یک چهارم نیاز کشور را برآورده میکنند. اما سطح تولید پائین است، وسایل کار نیست، شرکت تعاونی نیست، واسطه ها بیسداد می کنند، شرایط زندگی و تولید نا مناسب است. به این دهقانان باید کمک کرد تا تولید را بالا ببرند و اقتصاد سالمی را پایه ریزی کنند. هر کیلو محصول بیشتر، ضربه ای است به توطئه آمریکا!

دهقانان زحمتکش! دفاع از زمین و درهم شکستن توطئه آمریکا به معنای تولید بیشتر و کشت بیشتر نیز هست.

یک وجب از زمین زراعی را بدون کشت نگذارید. بیل شما که بزمین فرو می رود سر نیزه ای است به قلب دشمن

نورالدین
کیانوری
«پرسش
و
پاسخ»



تلاش‌های امپریالیسم جهانخواار برای تغییر تناسب نیروها به زیان خلق‌ها، محکوم به شکست است!

جلسه معمول «پرسش و پاسخ» روز یکشنبه ۲۳ آذرماه ۱۳۸۹ با حضور رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران تشکیل شد.
شرکت‌کنندگان در جلسه پرسشهای گوناگونی را در این جلسه مطرح کردند که رفیق کیانوری به آنها پاسخ گفت.
بخش اول این «پرسش و پاسخ» در شماره امروز درج می‌شود و بخش‌های بعدی آن در شماره‌های آینده نامه «مردم» به چاپ خواهد رسید.

س: امپریالیسم می‌کوشد تا در صحنه جهانی همه‌جا به‌تشنجات دامنه‌دار دست بزند و ظاهراً دنیا را به دوران جدید جنگ سرد بکشد. تمرکز عظیم نیروهای امپریالیستی در خلیج فارس، تحریکات چین در مرزهای ویتنام و کامبوجیا و ایجاد کانون‌های جدید تشنج در آفریقا، آمریکا لاتین و غیره، چند نمونه این سیاست تنش‌فزایی امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است. با توجه به این واقعیات آیا می‌توان گفت که امپریالیسم جهانی در حال پیشروی است؟ امکان این هست که امپریالیسم، بدین ترتیب، بر توان خود بیفزاید و تناسب نیروها را در دنیا به‌سود خود تغییر دهد؟ آیا این به‌منزله خطری برای آینده جهان نیست؟

ج: به‌طور کلی این چند سؤال با اضطراب نوشته شده است. برعکس این سؤال کنندگان نظر ما این است که این اضطراب آن قدرها به‌جانب نیست. این درست است که از دوسه سال پیش به این طرف امپریالیسم آمریکا در تمام زمینه‌های سیاست جهانی و در همه جا به حمله فوق‌العاده وسیعی پرداخته و سیاست خود را، به‌ویژه نسبت به کشورهای سوسیالیستی، و همچنین نسبت به کشورهای بی‌طرف و جنبش‌های اصیل ضد امپریالیستی خشن کرده است. در صحنه جهانی واقعا ما شاهد این هستیم که کشورهای امپریالیستی - کوشش می‌کنند که برای مقابله با این جبهه عظیم ضد امپریالیستی جهانی - که کشورهای سوسیالیستی، جنبش‌های آزادی‌بخش ملی و جنبش‌های اصیل کارگری کشورهای سرمایه‌داری سه‌عنصر عمده آن هستند - جبهه متحدی تشکیل دهند و سیاست متحدی را در پیش بگیرند. همچنین درست است که در این جا و آنجا هم امکان این هست که امپریالیسم موفق شود، همانطور که در گذشته هم موفق شده است، بعضی از پایگاه‌های از دست رفته خود را پس بگیرد و با این‌که مواضع متزلزل شده خود را دوباره استحکام بخشد. درست است که در این چند سال اخیر با نزدیکی رژیم جمهوری خلق چین، به امپریالیسم جهانی و موضع گیری کاملاً خصمانه آن نسبت به مجموعه جبهه ضد امپریالیستی جهانی، به‌ویژه نسبت به کشورهای سوسیالیستی و اتحاد شوروی، یک تغییر کیفی در تناسب نیروها بوجود آمده است. ولی، همه این عوامل منفی که ما از این طرف می‌بینیم در مقابل عوامل مثبتی که در جهت تغییر تناسب نیروها در صحنه جهانی به سود جبهه عظیم نیروهای ضد امپریالیستی و به زیان امپریالیسم تمام شده، به نظر ما ضعیف‌تر است. یعنی اگر ما دهه هشتاد را، که هنوز چند روزی از آن باقی مانده است، دقیقاً مورد مطالعه قرار بدهیم، می‌بینیم که درگیری‌های میان دو جبهه امپریالیسم و ارتجاع از یک‌سو و جبهه نیروهای ضد امپریالیستی از سوی دیگر، مثل مجموع فرتالی بوده است که هر دو طرف به یکدیگر چند گل زده‌اند، ولی هیچ‌کدام کل‌جانبه نیروهای ضد امپریالیستی به مراتب بیشتر نبوده است. مثلاً اگر ما درست نگاه بکنیم در آغاز دهه ۱۹۷۰ هنوز درگیری‌های خیلی سختی که امپریالیسم امیدوار بود در آنها بتواند موفقیت‌های بزرگی پیدا کند، در دنیا وجود داشت. ولی پس از شکست وحشتناکی که امپریالیسم در ویتنام خورد و مجبور شد که تمام نیروهایش را جمع کند و به خانه برگردد، دنبال این شکست یک تحول عظیمی در همه جهان در جهت تضعیف مواضع امپریالیسم به‌وقوع بیوست. آمریکا، با وجود آن همه نیروی که در ویتنام جنوبی متمرکز کرد و آن همه سلاحی که در آنجا ریخته و مبلغ کثرف صدویست تا دویست میلیون دلار خرج کرده بود، نتوانست آن کشور را نگه دارد و با دادن پنجاه هزار کشته و صد و پنجاه هزار زخمی و با بی‌آبرویی مطلق مجبور شد که، نه تنها از ویتنام، بلکه همچنین از لاوس و کامبوجیا فرار کند. حتی توطئه بعدی چین و آمریکا هم در کامبوجیا برای ایجاد یک جبهه ضد ویتنامی با شکست روبرو شد. بعد از آفریقا هم دیدیم که چندین کشور، مانند آنگولا و موزامبیک، از سلطه استعمار تاریخی برتغال و امپریالیسم جهانی متحد آن، آزاد شدند. در کشورهای مثل اتیوپی، نیکاراگوئه و افغانستان انقلاب‌های بسیار جالبی، با سمت‌گیری سوسیالیستی، به‌وقوع پیوست. در همین ایران خود ما که یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های جهانی امپریالیسم بود، انقلاب شکوهمند و تاریخی ۲۲ بهمن بیروز شد. همچنین ما می‌بینیم که در پاکستان که یکی از پایگاه‌های بزرگ امپریالیسم جهانی است، زلزله‌های خیلی جدی بوجود آمده است. در آسیا، آفریقا و آمریکا لاتین، یعنی مناطق و قاره‌هایی که به‌طور کلی خلق‌های محروم جهان در آنها متمرکز شده‌اند، ما شاهد یک حرکت فوق‌العاده نیرومند ضد امپریالیستی هستیم. در بسیاری از این مناطق بیروزی‌های چشم‌گیر حاصل شده است و در برخی نیز پیشرفت‌های قابل توجه مشاهده می‌گردد. البته در همین مقطع، امپریالیسم هم توانست، در مصر مواضع خود را تحکیم کند و مصر را از خانواده کشورهای ضد امپریالیستی بیرون بکشد. امپریالیسم توانست در بعضی از نقاط دیگر هم مواضع مستحکم‌تری برای خود درست کند؛ سوماتری را به‌طرف خودش جلب کند و کشورهای ارتجاعی عرب را بیشتر به خودش متصل کند. اینها هم پیشرفت‌هایی است که امپریالیسم توانسته است در مقابل پیدا کند. ولی اگر همه این‌ها را در مقابل هم جمع و تفریق بکنیم، می‌بینیم که به حساب جبهه عظیم جهانی ضد امپریالیستی خیلی برد بیشتر باقی می‌ماند تا برعکس. البته این هم واقعی است که امپریالیسم با وجود این باخت‌های بزرگی که کرده و مواضعش نسبت به ده سال قبل، نسبت به بیست سال قبل، نسبت به سی سال قبل به مراتب ضعیف‌تر شده است، پس از یک دوران تشنج زدایی به یک حمله متقابل دست زده است. به نظر ما این کاملاً قابل فهم است. امپریالیسم آمریکا، سازشکست‌نبروتی است، در داخل کشور خود با یک جو خلقی توده‌های مواجه شد. با آن تلغاتی که جنگ ویتنام برای مردم آمریکا بوجود آورد - بسود آنها احساس کردند که شکست یعنی چه؟ چون واقعا، این اولین شکست آمریکا در تاریخ حیات این کشور بود. ویتنام نه تنها برای مردم آمریکا تلفات جانی و مزار اقتصادی به‌بار آورد، بلکه همچنین سرخوردگی آنها را دامن زد. این شکست در روحیه مردم آمریکا در آن تاریخ تأثیر خیلی زیادی

گذاشت. آن‌ها دیگری هیچ وجه‌حاضر نبودند که از سیاست متجاوز امپریالیسم آمریکا به این آسانی پشتیبانی وسیع کنند. این عاملی بود که امپریالیسم آمریکا و دیگر متحدان آن باید در محاسبات خود به آن توجه می‌کردند. به همین دلیل، ما خوب به‌خاطرمان هست که هم‌فورد هم‌کارت را بر نامه‌های خیلی صلح‌طلبانه و طرفدار تشنج‌زدایی در انتخابات ریاست جمهوری نمایان شدند. در صورتی که آن‌هایی که آمریکا را می‌شناسند، می‌دانند در شرایط کنونی آمریکا هیچ رئیس‌جمهوری غیر از نماینده واقعی انحصارهای بزرگ سرمایه‌داری، بخصوص انحصارهای نفتی و تسلیحاتی، اصلاً امکان این را ندارد که بتواند امش را جزء لیست کاندیداهای انتخاباتی دو-حزب دموکرات و جمهوریخواه بگذارد. چون هر دو حزب، حزب‌های "وال استریٹ" هستند. این رادیکر همه دنیا می‌دانند که هیچ تفاوتی بین این دو حزب نیست. بین جاسوسانی که مال دموکرات‌ها بود و نیکسونی که مال محافظه‌کارها، از نظر کیفی هیچ تفاوتی نمی‌شد قائل شد. حتی اتفاق می‌افتد که زیر فشار توده مردم، نیکسون محافظه‌کار صلح‌طلب‌تر از جاسوس دموکرات می‌شد. یعنی اختلاف واقعی بین ماهیت این دو حزب اصلاً وجود ندارد و هر دو آن‌ها نماینده مجتمع‌های بزرگ نظامی - صنعتی و نفت آمریکا هستند. این مجتمع‌ها هستند که در آمریکا حکومت می‌کنند و اکثریت کرسی‌های پارلمان دست آن‌ها است. تمام روزنامه‌ها و تلویزیون‌ها و رادیوها همه وابسته به مجموعه بزرگ قدرت انحصارهای بزرگ سرمایه‌داری آمریکا هستند که، بر تمام انحصارهای بزرگ سرمایه‌داری جهان یعنی انحصارهای چندملیتی حکومت می‌کنند و آن‌ها را در جنگ خود دارند. به این ترتیب تصور این‌که قای‌کارتز واقعا آدم صلح‌خواهی بود و بعد آمد در جریان ریاست جمهوری تغییر نظر، داد، تصور خیلی کودکانه و ساده‌لوحانه‌ای است. سیاست هواداری کارتر از تشنج‌زدایی فقط برای گول زدن، برای جمع کردن آرای مردمی بود که حاضر نبودند در آن تاریخ به یک سیاست جنگ‌طلبانه، یک سیاست تجاوزکارانه، رای بدهند و تمام نقش کارتر عبارت از این بود که با این‌که کبوتر صلح باید به میدان آورده شده است، کبوتر صلح را تبدیل کند به کرکس جنگ. یعنی این محیطی که در نتیجه تغییر در داخل افکار عمومی مردم آمریکا پیدا شده بود این محیط را به تدریج عوض بکند. خوب، ما به سیاست کارتر که نگاه کنیم، می‌بینیم از ابتدایش همین روش را در پیش گرفت: روش ایجاد تحریک در این جا و آن‌جا دنیا، استفاده از هر حادثه‌ای برای ایجاد تحریک، برای بهم زدن جو تفاهم، جو تشنج‌زدایی که در دنیا قوت گرفته بود. در واقع، تمام تاریخچه چندساله حکومت کارتر نشان‌دهنده پیروزی تام به‌نام در این جهت است. به نظر ما تمام سیاست آمریکا متوجه این بود که با توجه به شکست‌هایی که در دهه هفتاد تجربه است، با تمام قوت بتواند جلوی این پیروزی را، که شاید قیدیل به‌زیر می‌آورد برای امپریالیسم آمریکا و دیگر متحدانش می‌شد، بگیرد. از همین ضربه‌ای که بر امپریالیسم آمریکا وارد آمد، انقلاب ایران بود. امپریالیسم آمریکا گیج شد. هیچ تصور این را نمی‌کرد که در بزرگ‌ترین "جزیره ثبات" جهانی، که آن قدر به آن می‌بالید، این جزیره ثبات در عرض یک مدت بسیار کوتاه به میدان عظیم زلزله‌خیزی تبدیل شود که پایه‌های حاکمیت امپریالیسم را نه فقط در یک کشور، بلکه در منطقه‌ای عظیم - آن هم منطقه‌ای از لحاظ نظامی - اقتصادی و استراتژیک بسیار حساس - به لرزه در آورد. این‌جا بود که دیگر امپریالیسم به تدریج احساس را از دست داد. به این ترتیب می‌بینیم که مجموعه تحولاتی که در دهه‌های اخیر اتفاق افتاده است، محسوساً یک تغییر محسوس تناسب نیروها در جهان است، به سود جبهه عظیم ضد امپریالیستی و به زیان نیروهای امپریالیسم و ارتجاع. این تغییر تناسب فقط در یک بخش، یعنی ملا تنها در جنبش‌های آزادی‌بخش ملی نیست، در تناسب بین نیروهای کشورهای سوسیالیستی و امپریالیسم هم همین تغییر تناسب نیروها را می‌بینیم. ما خوب می‌بینیم که از لحاظ نظامی، اقتصادی و فرهنگی، تغییراتی که در این دهه‌ساله اخیر در بین کشورهای سوسیالیستی از یک طرف و کشورهای امپریالیستی از طرف دیگر اتفاق افتاده است به‌طور خیلی روشن در مجموعه ورزش به سود کشورهای سوسیالیستی است. از لحاظ نظامی، دیگر افسانه نیرومند بودن دنیای امپریالیستی به‌طور کامل و برای همیشه به خاک سپرده شده است. دیگر امروز خود امپریالیست‌ها هم باید بفهمند که تصور و امید و آرزوی که داشتند که بتوانند از لحاظ نظامی از کشورهای سوسیالیستی جلو بیفتند، این دیگر یک رویایی بیشتر نیست و هیچ‌گاه به حقیقت تبدیل نخواهد شد. این‌را هم دیگر باید امپریالیست‌ها به‌تدریج بفهمند که کشورهای سوسیالیستی از نظر اقتصادی هم به‌طور منظم به‌جلو می‌روند. رشد اقتصادی کشورهای سوسیالیستی، با وجود آن که نمی‌تواند از بحران اقتصادی که جهان سرمایه‌داری را در بر گرفته است، کاملاً مصون باشد، و علی‌رغم دشواری‌های بسیار وقت، به‌طور پیگیری و موزون ادامه پیدا می‌کند. ولی کشورهای دنیای امپریالیستی - اسم پیشرفته رویشان گذازم، چون واقعا چنین نیستند - یعنی در آمریکا، کانادا، اروپای غربی و ژاپن الان نزدیک به بیست میلیون بیکار وجود دارد، کارگرانی هستند که سال‌ها است دنبال کار می‌گردند، دست‌خوش بحران طولانی هستند. در آلمان غربی که تا همین سال گذشته "جزیره ثبات" دنیای امپریالیستی بود، ما اسامی را رکود اقتصادی، با عقب رفتن اقتصادی و با رشد سریع می‌کاری روبرو هستیم. از آلمان غربی که سنگین‌ترین و مطمئن‌ترین ارزها بود و بعضی تصور می‌کردند که دیگر هیچ‌وقت دچار زلزله نخواهد شد در چند ماهه اخیر دچار بحران‌های جدی شده است. علاوه بر این سی تا چهل درصد امکانات تولیدی این کشورها خوابیده است. دیگر بازار برای خرید به اندازه‌کافی نه در کشور خودشان و نه در دیگر نقاط دنیا دارند. بحران اقتصادی کشورهای سرمایه‌داری که به دنیای سوم هم کشیده شده خود به صورت یک ضربه متقابل باعث تشدید بحران در داخل کشورهای سرمایه‌داری شده است. ولی در طرف دیگر، ما می‌بینیم که کشورهای سوسیالیستی به‌طور منظم رشد طبیعی چهاررومی، پنج، شش درصد به تناسب کشورهای مختلفه را نشان می‌دهند. یک نفر بگوید که در این کشورها نیست. برعکس همچنان به نیروی کار نیاز هست. رشد فرهنگی و اجتماعی از لحاظ آموزش و خدمات پزشکی در تمام زمینه‌ها توسعه و گسترش بی‌سابقه‌ای پیدا کرده و حتی نسبت به ده سال قبل خود این کشورها، در این ده سال شتاب خیلی زیاد گرفته است. از قام دیگر نشان‌دهنده این پیشرفت‌های بزرگ کشورهای سوسیالیستی هستند. تفاوت بین سطح اقتصادی و امکانات اقتصادی کشورهای امپریالیستی و سوسیالیستی به سود سوسیالیسم و به زیان امپریالیسم اختلاف محسوس پیدا کرده است. برای دهه نود هم که چند روز دیگر شروع می‌شود، امپریالیسم غیر از یک

دورنمای تاریک، دورنمای تشدید بحران، دورنمای تشدید بیکاری، دورنمای گرانی و تورم، هیچ چیز دیگری نمی‌تواند، به خلق‌ها ارائه کند. در این - روزها نقشه‌های پنج و ده ساله کشورهای سوسیالیستی، که حاکی از دورنمای رشد هرچه سریع‌تر این کشورهاست، در همه زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منتشر می‌شود. دیگر کسی نیست که در اجرای این نقشه‌ها تردید کند. اول می‌گفتند این نقشه‌ها خیال پرستانه است و قابل اجرا نیست. اما حالا که دهمین این نقشه‌ها اجرا می‌شود، دیگر کسی تردید نمی‌کند که این نقشه‌ها هم حتماً انجام خواهد شد و آن‌هم با نتایجی بهتر از قبل. به این ترتیب ما می‌بینیم که بیروزی‌هایی که نصیب این جبهه عظیم ضد امپریالیستی جهان شده است، فقط شامل بخش جنبش‌های رهایی بخش ملی یعنی نیروهای ضد امپریالیستی خلق‌های محروم دنیای سوم می‌شود و در زمینه تناسب قوای کشورهای امپریالیستی و سوسیالیستی هم کاملاً محسوس است. در جنبش کارگری جهانی هم این کاملاً مشهود است. به خوبی دیده می‌شود که در کشورهای سرمایه‌داری جنبش کارگری هم سمت‌گیری‌اش، هم از لحاظ کیفی، هم از لحاظ کمی در حال نیرو گرفتن است. در کشورهای مانند فرانسه، ایتالیا، آلمان غربی و بریتانیا تأثیر جنبش‌های کارگری روی دولت‌های نماینده انحصارات، به‌ویژه در تحمیل سیاست تن‌نزدایی، هرچه بیشتر می‌شود و این جنبش‌ها به عامل اجتماعی موثرتری تبدیل می‌گردند. خوب، البته هنوز به این‌جا نرسیده است که در این کشورها حکومت‌ها را نیروهای کارگری به‌دست بگیرند. البته در بعضی از کشورها دولت‌هایی هستند که خودشان را نماینده طبقه کارگر کشور می‌دانند. مثل آلمان غربی، مثل دولت لیبروریست انگلستان. این نمونه‌ها هست. ولی خوب می‌دانیم که این احزاب سوسیال دموکرات جلد دوم حزب دموکرات آمریکا و یا حزب جمهوریخواه آمریکا یعنی از همان نمایندگان انحصارهای بزرگ سرمایه‌داری هستند، که این سنت را دارند، که قنتر عظیمی از طبقه کارگر کشور خود راه‌نورد و سلطه تبلیغاتی خودشان دارند. هنوز وضع بحرانی در این کشورها به آن حد نرسیده است که طبقه کارگر خود را از زیر دست این رفورمیست‌ها، این نمایندگان ظاهراً مترقی انحصارهای سرمایه‌داری، در بیاورد. این هم تجربه تاریخی لازم دارد. آن روز هم خواهد رسید. شما جوان‌ها حتماً شاهد آن روز هم خواهید بود که در انگلستان و فرانسه و آلمان غربی هم نیروهای واقعی کارگری خود را از این سلطه سوسیال دموکراسی در بیاورند و در جهت جنبش واقعی کارگری و ایجاد یک حکومت واقعی متکی بر طبقه کارگر گام بردارند. هنوز دیر نشده است. اگر شصت و دوسال بعد از انقلاب اکتبر این همه بیروزی برای جبهه عظیم ضد امپریالیستی جهانی آورده، ساید انتظار داشته باشیم که این بیست سال آخر قرن ما هم، حتماً بیروزی‌هایی به‌مراتب عظیم‌تر برای جنبش‌اصیل انقلابی جهان در برداشته باشد. به این ترتیب به نظر ما این حملات دوران اخیر امپریالیسم جهانی عبارتست از حملاتی از مواضع ضعیف‌تر شده، برای ترمز کردن این حرکت عظیم نیرومند، این سبلی که در دنیا هر روز قدرت بیشتری می‌گیرد. این تلاش برای آن است. ما می‌بینیم وقتی شهری در معرض خطر سیل هست، مردم شهر می‌ریزند بیرون و بیش از حالت عادی زمین را می‌کنند و سیل‌بند درست می‌کنند که در حالت عادی وقتی خبری از سیل نیست، چنین حرکتی دیده نمی‌شود. این طبیعی است که وقتی نیروی خود را در خطر بیشتری ببیند، از خودش فعالیت به مراتب زیادتری نشان می‌دهد. یک قانون طبیعی هست که وقتی موجود زنده‌ای، پدیده‌ای، زنده‌ای، مثل یک جامعه، مثل سرمایه‌داری جهانی، خود را در خطر ببیند، تلاشش برای اینکه از خطر خود دور کند، زیادتر است. ما در این تلاش بر عصیانیت و باخونیت امپریالیسم جهانی یک چنین تلاشی را از مواضع ضعیف شده می‌بینیم. خوب، حالا با واقعا ما با یستی بگیریم بخوابیم و خیالمان راحت باشد، که امپریالیسم دنیا درست می‌خورد و دیگر ما کاری نداریم. به‌گلی برعکس است. ما می‌بینیم که بلنگ رخم خورده همیشه هارتر و خطرناک‌تر است. این کاملاً طبیعی است. جنبش‌های انقلابی ضد امپریالیستی باید کاملاً هوشیار باشند که امپریالیسم در این مرحله ضعیف‌تر شدن خودش هارتر، درنده‌تر و خطرناک‌تر است و تنها بصدای واقع - گیری درست می‌خواهد که بتوانیم صربه بعدی را بر این بلنگ درست‌ترین. این حکم در مورد خود ما که زخم عمیقی بر پیکر امپریالیسم وارد آورده‌ایم نیز صادق است. به نظر ما، مسئله وحدت و اتحاد تمام نیروهای ضد امپریالیستی در جهان برای درهم شکستن این حمله تجاوزکارانه امپریالیسم جهانی اهمیت تاریخی فوق‌العاده زیادی دارد. به همین دلیل هم هست که ما توصیه و کوشش می‌کنیم که سمت‌گیری سیاست خارجی ایران در جهت مواضع جمهوری اسلامی ایران در مقابل هجوم همه‌جانبه‌ای باشد که امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، و تمام ارتجاع جهانی علیه انقلاب ایران آغاز کرده‌ایم، ما باید در سیاست خارجی خود هرچه سریع‌تر و هرچه برداشته‌تر در جهت شرکت فعال در این جبهه جهانی ضد امپریالیستی گام برداریم و مناسبات خود را با تمام نیروهای این جبهه با هر سه‌عنصر عمده تشکیل دهنده آن، یعنی کشورهای سوسیالیستی، کشورهای غیرمتعهد و مستقل دنیای در حال رشد و جنبش‌های کارگری کشورهای سرمایه‌داری گسترش دهیم، تقویت کنیم، و کلیه عواملی را که در جهت متزلزل کردن این مناسبات، یعنی در جهت خرابکاری در این سنگرهای جهانی علیه امپریالیسم و تجاوزات آن، انجام می‌گیرد از راه برداریم. ما از این تحولی که در یکی دو ماه اخیر در روشن کردن سیاست خارجی ایران انجام گرفته، همیشه استقبال کرده‌ایم و از این بابت خوشحال هستیم. بهترین دلیل این که این تحول به سود انقلاب ایران است، از زیاده‌هایی است که از زسان رادیوهای امپریالیستی و ضد انقلابی به‌خصوص رادیوهای بختیار و اویسی، رادیو بغداد و صدای آمریکا و بی.بی.سی. در باره این نزدیکی جمهوری اسلامی ایران به کشورهای مهمی از این جبهه ضد امپریالیستی، مثل الجزایر، لیبی و سوریه، "جبهه پایداری عرب" شنیده می‌شود. واقعا به‌طور دیوانه‌وار از این تحول عصبانی شده‌اند و با آن نیروهایی که در این سمت گیری مبتکر و موثر هستند، همان نیروهایی که در داخل ایران هم در مواضع ضد امپریالیستی، ضد آمریکایی و طرفدار تغییرات بنیادی به سود محرومان جامعه بافشار هستند، با فحاشی برخورد می‌کنند. این عصیانیت نیروهای دشمن بهترین دلیل برای درست بودن این سمت‌گیری است که در ماه‌های اخیر، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران گرفته است. ما امیدوار هستیم که علی‌رغم تمام تحریکات عجیب و غریبی که در داخل و خارج علیه این سمت‌گیری انجام می‌گیرد این راه ادامه پیدا بکند و هر روز تحکیم بیشتری بیابد. این است نظر ما به‌طور کلی در مورد این مسائل جهانی. البته همان‌طور که من اول هم گفتم این فقط در ایران نیست که امپریالیسم شروع کرده به این توطئه عظیم برای درهم شکستن انقلاب بان. ما شاهد این هستیم که این توطئه در نقاط دیگر جهان هم پیدا شده است. امپریالیسم با تمام قوا کوشش می‌کند لحظه‌ای را پیدا کند که مثلا به وسیله مصر ضربه‌ای به لیبی ضد امپریالیستی وارد بکند. امپریالیسم تمام تلاشش در این جهت است که مصر و اسرائیل را آماده بکند، برای این که در لحظه عینی از دو جهت شروع بکنند به وارد آوردن ضرباتی به سوریه و لبنان در شمال و از این طریق به جنبش‌های بخش خلق فلسطین و در جنوب که کشور جمهوری دموکراتیک خلق یمن و اتیوپی، یعنی دو کشور که هم از لحاظ سوق الجبعی و نیروی اجتماعی مهم هستند و هم از نظر سیاسی در مواضع قاطع ضد امپریالیستی قرار گرفته‌اند. این تلاشی است که در تمام این منطقه انجام می‌گیرد. امپریالیسم کوشش می‌کند با تمام قوا این جنگ تحمیلی به ایران را ادامه بدهد، آن‌را به درازا بکشد و به این وسیله ایران را تضعیف کند، به امید این که شرایط خود را به ایران تحمیل بکند و دوباره متلاقل دستان عزیز لیبرال خود را در ایران روی کار بیاورد و به وسیله آن‌ها به‌تدریج گام به گام، همان‌طور که دولت "گام به گام" می‌خواست، دوباره زنجیر اسارت امپریالیستی را بر دست و پای خلق ایران ببندد. ما می‌بینیم که آمریکا از طرف پاکستان تحریکات خیلی وسیعی را در بلوچستان شروع بقیه در صفحه ۳

خبر

خرمگس:

دست نشستن از زندگی خود بخاطر مردم



آرتور در زندان

به آن کودگانی که گل سرخ می افشانند نگاه کن ، و به آواژان ، اگر دلنشین است ، گوش فراده ؛ بخاطر سر آنان استانه دهان من مملو از خاک است ، و سرخی آن گل های سرخ از چشم های قلب من است ، زیرا چنین آمده است ؛ برای انسان عشقی والاتر از آن نیست که بخاطر رانش دست از زندگی خود بپوشد .

(خرمگس ، ترجمه فارسی ، چاپ دوم ، صفحه ۲۷۲)

با این سخنان ، نسلی از انقلابیون ایران زیسته اند ؛ در لحظه اعدام ، صدای صدای "خرمگس" انداخته اند ، و همچنان که در شب های تیره ستم و خفقان ، کتاب ممنوع "خرمگس" را در جایی پنهان می کرده اند و با بدستی می رسانده اند سرشار از نیروی که از ذرات حماسه "خرمگس" میرواد ، برای لحظه های رویا رویی با دوزخیم آماده شده اند .

اکنون این کتاب ، اثری که نام "اقل لیلیان و وینتیج" (۱۸۶۴-۱۹۶۰) نویسنده انگلیسی را در ایران پر آوازه ساخت و کمترین انقلابی ایرانی است که جهان دیگر انقلابیون بصورت فیلمی که در اتحاد شوروی ساخته شده ، بر سر پرده سینما "عصر جدید" در تهران است .

انبوه تماشاگرانی که حتی ایستاده فیلم "خرمگس" را تماشا میکنند ، نشان میدهد که پیوند این اثر با نسل جوان برآمده از انقلاب ناگسستگی است ، نسلی که صدها و هزاران نفر از آن ، حماسه های چون "خرمگس" فریاده اند ، با زخم از این اثر حماسی نیرومی گیرند ، تا به نبرد سترک خود ادامه دهند .

"خرمگس" فعالیت سازمان "ایتالیای جوان" در سال های ۲۵ تا ۴۰ قرن نوزدهم باز آفرینی شده است ، در آن دهه ، پس از قطع ارتس ناپلئون سراسر ایتالیا به دست کسور جدا گانه تقسیم شده بود ، و ایتالیا عملاً در اشغال ارتس اتریش

بود ، رئیس کلیسای کاتولیک پاپ بوم ، از افسالگران تریستی حمایت می کرد و خلق ایتالیا با هر دو نیرو می رزمید . در سال ۱۸۴۱ "ژوزف مازینی" انقلابی مشهور ایتالیا ، که از میهن خود رانده شده بود ، سازمان مخفی "ایتالیای جوان" را پایه گذاری کرد . این سازمان در سال ۱۸۴۷ توانست دشمن را براند و ایتالیا را متحد کند .

رمان در سال ۱۸۴۳ آغاز می شود . در این اثر خواننده با "آرتور" ، جوانی آشنا میشود که فرزند نامشروع یک کشیش عالی مقام در "پیزا" - یکی از شهرهای قدیمی ایتالیا - است . این جوان ، که در دامان کلیسای کاتولیک رشد یافته با سازمان "ایتالیای جوان" آشنا میشود و به آن می پیوندد ، در این سازمان دختری

باید با نمایش فیلم انقلابی «خرمگس» از تلویزیون، آن را از محدوده روشنفکران خارج و شور حماسی آنرا به توده ها منتقل ساخت.

است بنام "جما" ، که "آرتور" دل درگرو عشق او دارد . سومین شخصیت اصلی داستان پدر "مونتالی" ، همان کشیش عالی مقام است ، داستان بر سه محور اصلی به موازات یکدیگر میسرود :

فعالیت انقلابی "آرتور" ، عشق "جما" و عشق و نفرت سگفت "آرتور" به پدر "مونتالی" . بعد از آنکه پدر "مونتالی" از طرف پاپ به رم احضار می شود ، کشیش دیگری بجای او می آید و پدر "مونتالی" مراقبت از روح "آرتور" جوان را به اومی سپرد . این کشیش برخلاف پدر "مونتالی" ، که از نظر شخصی آسان و نیکوکار بود ، یکسره جاسوس دستگاه نفیثش عقاید کلیسا است . "آرتور" نزد او اعتراف می کند و نام رهبر سازمان را می گوید . شب بعد در حالیکه "آرتور" می بندارد پدر "مونتالی" آنها را لو داده ، اعضای سازمان دستگیر می شوند ،

خواست که به اصل رمان مراجعه کنند) خود فیلم نیز در صحنه اعدام "خرمگس" (که باز هم از دستبرد سانسور مضمون نمانده) که مرکز ثقل اثر است و همه بار تاثیرگذار و بسیج کننده حماسه به آن محول شده ، موفق نیست . رمان در تصویر این صحنه ، گسسته طبیعتاً باید در فیلم قوی تر باشد ، موفق تر است . خونسردی "خرمگس" وطنزی که در آخرین لحظات حیات از آن سود می جوید ، تا نظام حاکم را رسوا کند ، در فیلم فراموش شده است . عدم تمایل قلبی سربازان به شلیک ، خوب پروراند نشده است ، در مجموع این صحنه آن حنان که باید - موفق نیست .

اما فیلم ، با این همه ، یک فیلم انقلابی بسیار موثر است که میتواند در بسیج توده ها سخت مفید باشد و بویژه در این شرایط ، آنها را علیه دشمن تجا و زگر ، از نظر روحی و معنوی مسلح کند . اما متأسفانه این اثر انقلابی هم ، با نقض آثار دیگری از این دست ، مانند دریک سینما ، آنهم در شمال تهران نمایش داده میشود . آیا بهترین فیلم این تلویزیون بخش شود ، تا شور انقلابی آن به توده ها منتقل گردد ؟

البته به آسانی میتوان از این زیبایی هنری بخاطر روح انقلابی فیلم صرف نظر کرد .

اما آنچه باید بویژه به آن توجه کرد - و آرام آرام دارد بازیگری میگیرد - سلاخی فیلم توسط قیچی سانسور است . در شرایطی که ، طبق قانون اساسی ، سانسور ممنوع است و هیچ دستگاه رسمی هم برای سانسور فیلمها وجود ندارد ، سانسور آنچه دلخواسته بر سر فیلم آورده است ، تردیدی نیست که میباید البته طبق قانون - صحنه های ضد انقلابی و غیر اخلاقی حذف شود ، ولی صحنه های انقلابی چرا باید سانسور شود؟ مثلاً از صحنه بسیار طولانی ملاقات "خرمگس" با پدر "مونتالی" در زندان ، تنها چند بیان کوتاه باقی مانده و سخنان "آرتور" کاملاً - بغیر از یک جمله - یا حذف شده و یا تغییر پیدا کرده است . همین کار در مورد سخنان پدر "مونتالی" هم انجام شده است ، در نتیجه ، نه تنبهدارک شرایطی که پدر "مونتالی" در آن ، با اعدام "خرمگس" موافقت کرده ، غیر ممکن شده است ، بلکه شخصیت "آرتور" نیز کاملاً تغییر کرده و به ضد خود تبدیل شده است ! (برای درک مطلب باید از تماشاگران و خوانندگان

همکاریهای نظامی گسترده رژیم دیکتاتوری نظامی ضیاءالحق با عربستان سعودی بر زمینه ایجاد پیمان نظامی امریکا فرموده در منطقه خلیج فارس

شاهزاده فهد بن عبدالعزیز ، ولیعهد عربستان سعودی ، در آخرین روز دیدار خود از پاکستان ، در مصاحبه با خبرنگار ادوی پاکستان اظهار داشت : «علیرغم فاصله جغرافیایی میان دو کشور ، ما مانند یک روح و یک جسم متحد هستیم» .

ولیعهد عربستان سعودی ، ضمن اطمینان دادن به پاکستان در مورد کمکهای نظامی رژیم عربستان به رژیم دست نشانده ضیاءالحق ، گفت : «هرگونه آسیبی که به پاکستان وارد آید ، مداخله در عربستان سعودی تلقی خواهد شد» .

دیدار فهد بن عبدالعزیز ، ولیعهد عربستان سعودی از پاکستان ، که بدنبال مسافرت چندی پیش وی به امارات عربی و شیخ نشینان این منطقه انجام گرفته ، دارای هدف مشترکی است . ولیعهد عربستان سعودی در مسافرت خود به کشورهای ساحل خلیج فارس ، مسئله ایجاد یک پیمان نظامی را مطرح ساخت ، که رژیمهای دست نشانده آمریکا در این منطقه را دربر خواهد گرفت . وی در دیدار خود از پاکستان نیز از اتحاد نظامی دو کشور و کمکهای نظامی عربستان سعودی به رژیم دیکتاتوری نظامی ضیاءالحق سخن میگوید .

با توجه به نقشی که عربستان سعودی در این منطقه در اجرای برنامه های نظامی و تدارکات جنگی امپریالیسم امریکا ایفا میکند ، موافقت با قرارداد های نظامی میان عربستان سعودی با پاکستان و دیگر رژیمهای سرسپرده امریکا معتقد میگردد ، در واقع مأموریتی است که از جانب وزارت دفاع و دواجر جاسوسی امریکا به عهده این کشور محول شده است .

همچنانکه در مقالات مربوط به تجدید توسعه تدارکات جنگی و حضور نظامی امریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند در نامه «مردم» خاطر نشان شده است ، امپریالیسم امریکا پس از پیروزی انقلاب دموکراتیک در افغانستان و پیروزی انقلاب شکوهمند مردم چین ما و استقرار نظام جمهوری اسلامی در

ایران ، توطئه ها و فعالیت های نظامی خود در این منطقه را بمظور تهدید به مداخله نظامی و براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران و نیز تهدید توسعه جمهوری دموکراتیک افغانستان ، کشورهای عضو جبهه پایداری : سوریه ، الجزایر ، لیبی ، جمهوری دموکراتیک خلق یمن و سازمان آزادیبخش فلسطین ، همزمان در دو سمت به مورد اجرا میگذارد : از یکسو تدارکات و تجهیزات نظامی در راهی و هوایی امریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند و استقرار واحدهای از نیروهای واکنشی سریع ، در پایگاههای نظامی امریکا در این منطقه ، و از سوی دیگر تقویت و گسترش کمکهای تسلیحاتی و نظامی امریکا به رژیمهای ضد خلقی دست نشانده و پرمپیوندی سیاسی و نظامی این رژیمها بمظور اجرای توطئه ها و عملیات مشترک تجارز گرانه علیه رژیمهای مستقل ملی در منطقه .

طبق همین برنامه است که بویژه طی سال جاری دیدارهای مقامات رسمی رژیمهای دست نشانده امریکا و مذاکرات آنان در باره همکاریهای نظامی و قرارداد های جدید تسلیحاتی افزایش یافته و پیشنهادهای متعددی درباره ایجاد یک پیمان نظامی جدید با رژیمهای ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم امریکا مطرح و مورد بررسی قرار گرفته است .

در مورد همکاریهای نظامی و سیاسی نزدیک میان عربستان سعودی و پاکستان باید خاطر نشان کرد که این همکاری از سال ۱۳۴۶ ، که یک قرارداد نظامی دو جانبه میان دو کشور بسته شد ، بنحوی چشمگیر گسترش یافت . این قرارداد نظامی در سال جاری تمدید گردید .

پس از پیروزی انقلاب دموکراتیک در افغانستان ، کشور پاکستان به کانون توطئه و تمرکز عناصر و گروه های ضد انقلابی افغانی تبدیل شد و اردوگاه های فراوان افغانی ، با سرپرستی مأموران «سیا» و مستشاران دژیون چین ، که چندی پیش در رأس یک هیئت نظامی

نظامی آمریکایی و چینی و پاکستانی در خاک پاکستان دایر گردید ، رژیم عربستان سعودی نیز ، با توسعه دولت امریکا ، هزینه این اردوگاهها را بعهده گرفت . ضیاءالحق ، دیکتاتور پاکستان ، در سفر خود به عربستان سعودی (۸ مرداد ماه ۵۹) از دولت عربستان سعودی تقاضا کرد که هزینه های تسلیحات و تجهیزات نظامی امریکا را ، که به پاکستان ارسال شده است ، پرداخت کند . در مقابل این کمک ، رژیم پاکستان یک لشکر از نیروهای مسلح پاکستان را بمظور تقویت نیروهای امنیتی عربستان سعودی به آن کشور اعزام کرد . چندی پیش نیز ۴۰۰ نفر از سربازان و تکنیسین ارتس پاکستان جهت گسترش و بازسازی تأسیسات نظامی به عربستان سعودی اعزام شدند و عربستان سعودی ، در مقابل ، یک میلیارد دلار به پاکستان پرداخت کرد .

چندماه قبل آقا شاه ، وزیر امور خارجه پاکستان ، خدمت زاری رژیم ضیاءالحق را ، بعنوان زاندارم منطقه ، به کشورهای غربی صادر کسود نفت اعلام کرد و گفت : «اگر کشورهای منطقه خلیج فارس ۵ میلیارد دلار اعتبار به پاکستان بدهند ، پاکستان حاضر است پاسداری از منافع نفت این کشورها را بعهده بگردد» .

اروسدی دیگر ، چین نیز ، نور بروز به نفوذ سیاسی خود در پاکستان می افزاید و رژیم ضیاءالحق را ، به عنوان مناسبترین متفق خود در توطئه ها و تحریکات نظامی علیه کشور محصل هند و جمهوری دموکراتیک افغانستان و جمهوری اسلامی ایران ، از لحاظ تسلیحات و تجهیزات نظامی تقویت می کند . رهبری حن تلاش دارد که ، همراه با امریکا ، رژیم دیکتاتوری نظامی ضیاءالحق را به پایگاه ملایم و سربل تجاوز در این منطقه تبدیل کند .

در پاساژ لونا لوفتسنگ ، کدیل فرامدمی نیروی دژیون چین ، که چندی پیش در رأس یک هیئت نظامی

نظامی آمریکایی و چینی و پاکستانی در خاک پاکستان دایر گردید ، رژیم عربستان سعودی نیز ، با توسعه دولت امریکا ، هزینه این اردوگاهها را بعهده گرفت . ضیاءالحق ، دیکتاتور پاکستان ، در سفر خود به عربستان سعودی (۸ مرداد ماه ۵۹) از دولت عربستان سعودی تقاضا کرد که هزینه های تسلیحات و تجهیزات نظامی امریکا را ، که به پاکستان ارسال شده است ، پرداخت کند . در مقابل این کمک ، رژیم پاکستان یک لشکر از نیروهای مسلح پاکستان را بمظور تقویت نیروهای امنیتی عربستان سعودی به آن کشور اعزام کرد . چندی پیش نیز ۴۰۰ نفر از سربازان و تکنیسین ارتس پاکستان جهت گسترش و بازسازی تأسیسات نظامی به عربستان سعودی اعزام شدند و عربستان سعودی ، در مقابل ، یک میلیارد دلار به پاکستان پرداخت کرد .

چندماه قبل آقا شاه ، وزیر امور خارجه پاکستان ، خدمت زاری رژیم ضیاءالحق را ، بعنوان زاندارم منطقه ، به کشورهای غربی صادر کسود نفت اعلام کرد و گفت : «اگر کشورهای منطقه خلیج فارس ۵ میلیارد دلار اعتبار به پاکستان بدهند ، پاکستان حاضر است پاسداری از منافع نفت این کشورها را بعهده بگردد» .

اروسدی دیگر ، چین نیز ، نور بروز به نفوذ سیاسی خود در پاکستان می افزاید و رژیم ضیاءالحق را ، به عنوان مناسبترین متفق خود در توطئه ها و تحریکات نظامی علیه کشور محصل هند و جمهوری دموکراتیک افغانستان و جمهوری اسلامی ایران ، از لحاظ تسلیحات و تجهیزات نظامی تقویت می کند . رهبری حن تلاش دارد که ، همراه با امریکا ، رژیم دیکتاتوری نظامی ضیاءالحق را به پایگاه ملایم و سربل تجاوز در این منطقه تبدیل کند .

در پاساژ لونا لوفتسنگ ، کدیل فرامدمی نیروی دژیون چین ، که چندی پیش در رأس یک هیئت نظامی

آیت‌الله دکتر بهشتی:

همواره با توطئه دشمن روبرو خواهیم بود

هرگونه عمل جدایی افکن میان روحانیت متعهد و مسئول و شما ملت قهرمان را محکوم می‌کنیم

آیت‌الله دکتر بهشتی رئیس دیوان عالی کشور در مصاحبه مطبوعاتی هفتگی خود گفت: «بی شک دشمن دست از توطئه چینی بر نمی‌دارد»

دکتر بهشتی که در حضور خبرنگاران خارجی و داخلی سخن می‌گفت ضمن اشاره به اینکه توطئه‌های دشمنان انقلاب برای درهم شکستن انقلاب که تاکنون



نامایومند از قضاوت کوبانی، که همراه یوری رومانسکو قضاوت شوروی، با «اسایوز ۳۸» به‌صفا رفت و در ۱۵ مهر ۵۹ به‌زمین بازگشت. اعضاء خانواده و دوستان، از قضاوت‌ردان بگرمی استقبال کردند.

که طی آن آمده بود حمله به عده‌ای از روحانیت، حمله به تمام روحانیت نیست، گفت: «روحانیت می‌داند اینرا و یاد گرفته است که از حمله به این عده از روحانیت در مجموع نقش مهمی نداشته باشد، پاسخ اینرا هم روحانیت تاکنون داده هم ملت، و پاسخ من دیگر لزومی ندارد.» آیت‌الله دکتر بهشتی درباره پیشنهادی لئونید برژنف رهبر اتحاد شوروی پیرامون صلح و امنیت منطقه خلیج فارس و

باید اتحاد بین انقلاب ایران و جبهه پایداری عمیق‌تر و مستحکم‌تر گردد

در مطبوعات کشور

وابستگی، البته در شکل بیجیدتری از لیرال‌های ورشکسته قبلی، مطرح می‌گردد.

در مجموع لیرال‌ها تمام کوشش‌های خود را در دوران تصدی وزارت خارجه بکار بردند، تا سیاست خارجی ایران راه اتخاذ و نزدیکی با نیروهای انقلابی و مرفی جهان و منطقه را نیساید، که نتیجه جبری آن کشیده شدن بدامان توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع منطقه بود.

اینکه که بخشی از لیرال‌ها بعنوان حامیان خط برژنیسکی کنار زده شده‌اند، بایستی برای تقویت موضع انقلاب بر چلب حمایت و همکاری و ایجاد یمنیهای مشترک با کشورهای مرفی و انقلابی و مسلمان در منطقه و جهان بپردازیم. نیروهای مرفی منطقه تنها با ایجاد یک جبهه متحد قادر خواهند بود در مقابل توطئه‌های گوناگون امپریالیسم و صیونیسم و مرتجعین منطقه پایداری کنند. اتحاد انقلاب ایران با کشورهای عضو جبهه پایداری می‌تواند در این میان نقش مهمی را هم در ایجاد سد مقاومت در برابر امپریالیسم، و هم در درگیری اساسی در جایگزین ساختن انگیزه ایدئولوژیک بجای انگیزه قومیت عربی ایفا کند. این امر مسئله و رویداد بسزری می‌تواند باشد که علی‌الخصوص با طرد چهره‌های مرتجع منطقه، راهگشای گسترش انقلاب بوده و راهی از سیوغ امپریالیسم و صیونیسم در منطقه را نوید میدهد. اولین گامهای روشن در سیاست خارجی، که با سفر هیئت نمایندگی ایران به کشورهای مرفی منطقه برداشته شد، باید همچنان ادامه یابد و انتقال تجربیات و اتحاد مواضع مشترک و یمنیهای استراتژیک باید به گرمی مورد استقبال قرار گیرد و اتحاد بین انقلاب ایران و جبهه پایداری عمیق‌تر و مستحکم‌تر گردد. فراموش نمی‌کنیم رئیس دولت موقت و وزیر خارجه‌اش تنها وقتی به الجزایر رفتند که مذاکره با برژنیسکی را بدنبال داشته باشند. اکنون نیز بایستی منتظر بود که تهاجمات لیرال‌ها در شکل‌های گوناگون شروع شوند. آنها نیز بیک و اتحاد با کشورهای مرفی منطقه را تحمل نخواهند کرد و خواهند کوشید با علم کردن گرایش به شرق، از تداوم این گام مثبت جلوگیری کنند. اینگونه تبلیغات منفی لیرال‌ها، که جهت حاکمیت خط برژنیسکی بکار می‌رود، خواهند کوشید با لوت کردن قضیه و با مارک و انگیزدن، از گسترش و عمیق‌تر شدن طبعی این گام در جهات اقتصادی و نظامی و... جلوگیری کنند. واپس‌گرایان و تفسیرون نیز از تعمیق مناسبات بنا کشورهای مرفی و انقلابی با زدن مارک اتحاد و... با لیرال‌ها هم‌صدا خواهند شد. تجربه تاریخی نشان میدهد که اتحاد کشورها می‌تواند در برابر صدمات و تهاجمات گوناگونی که از امپریالیسم و ایادی آن وارد میشود، بخوبی مقاومت نماید. ولی اگر کشوری بخواهد به تنهایی این مسیر را بیساید، با مشکلات و موانع گوناگونی روبرو خواهد شد. بحرانهای داخلی، کمبود ارزاق و مایحتاج در یک برهه از حیات انقلابی طبیعی و پذیرفتنی است و بغوریت نمی‌توان آنها را داخل‌تنبیه کرد. کمک و یاری متحدین طبیعی باید در چنین زمانهائی نمود پیدا کند. در چنین روزهای دیگر مسئله سر مال مسن و تو نیست و همانگونه که سفیر لیبی در ایران در حضور امام خمینی اظهار کرده: «آنچه که شما دارید بما تعلق دارد و آنچه که ما داریم متعلق به شماست»، باید مصداق خارجی خود را باز یابد و با تحکیم جبهه مقاومت و پایداری در برابر امپریالیسم و صیونیسم در تداوم و گسترش انقلاب گامهای بلندتری برداشته شود. اینک در مقطعی قرار داریم که یکی از در راه موجود را باید انتخاب کنیم: راه حل اول که لیرال‌ها پیشنهاد می‌کنند و وابستگی و ذلت را با اتصال به امپریالیسم در پناه شمارهای رفاه و امنیت و آزادی و... دنبال می‌کنند و اکنون با جو سازی و استفاده از عملکردهای رقیب نیز می‌کوشند آبروی از دست رفته را باز یابند و این خط را حاکم کنند و تهاجمات اخیر نیز دنباله این سیر می‌باشد.

راه حل دوم که مبتنی به خواستهای انقلاب و مکتب می‌باشد، این است که با اتخاذ مشی انقلابی در جبهه کشورهای مرفی و ضد امپریالیست قرار گیریم و با اسالت دادن به درون و تکیه قرار دادن سیاست‌های انقلابی مکتبی، که خود بخود حمایت کشورهای مرفی را بدنبال خواهد داشت، از گردابی که امپریالیسم می‌کوشد انقلاب را در آن اسیر سازد، راهی پیدا کنیم.

(امت - ۱۷ آذر ۵۹)

انقلابی هرچه بیشتر ضرورت می‌یابد، مایه شکستی و ناسف است، بسود تعمیق انقلاب در راستای ضد امپریالیستی و خلقی آن نیست و تنها خشنودی ضد انقلابیون را می‌تواند برانگیزد. **دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران** ۲۶ آذر ۱۳۵۹

... آزادی جاسوس‌های آمریکائی که در اولین روزهای انقلاب توسط وزیر امور خارجه وقت دکتری یزدی صورت مسی‌گیرد و تسمین‌هایی که در مورد ادامه روابط و وابستگی به آمریکا داده میشود و ارتباط دولتمردانی چون امیرانتظام، که بست حساس‌سختگونی دولت را پهمده داشت، با امپریالیسم و بکار گماردن لیرال‌های وابسته‌ای چون تزیه و مقدم مراغهای و... طبیعتا نمی‌توانست سیاست خارجی بهتر از این‌را به‌مراه داشته باشد. دولتمردان لیرالی‌سختگینند با حفظ روابط قبلی با امپریالیسم و دول مرتجع، انقلاب را بورطه انضحلال بکنانند. بی‌شکها و خصالت‌های لیرالی موجب شد تا به مذاکره با شیطان بزرگ بنشینند و در عوض با کشورهای مرفی ارتباط نداشته باشند.

باید اتحاد بین انقلاب ایران و جبهه پایداری عمیق‌تر و مستحکم‌تر گردد

بعد از جریان اشغال جاسوسخانه، که شریه‌ای بر پیکر سازشکاران وارد آمده بود، انتظار میرفت سیاست خارجی تغییر کند. اما گذشت زمان نشان داد که سیاست لیرالی در زمینه خارجی همچنان بقوت خود باقی است. وزرای خارجه‌ای که یکی پس از دیگری جایگزین شدند، عملا هیچ نوع نوآوری و مشی انقلابی در زمینه سیاست خارجی اتخاذ نکردند. سفارت‌خانه‌های ایران بجای اینکه یک انقلاب باشند، بیک ضدانقلاب شدند. برای انقلابی که هزاران شهید در راه کسب استقلال و راهی از سیوغ امپریالیسم داده، رنج آور است که وزیر امور خارجه‌اش برای کسب حمایت دول مرتجع منطقه بکوشد. امثال ضیاعالحق و جمشوری آمریکائی ایشان، که برای وزیر امور خارجه ایران، آقای قلیزاده سبیل شده بودند، غلامان حلقه بگوشی هستند که زست‌هایشان ناشی از چانه‌زدن بر سر قیمت وابستگی به امپریالیسم می‌باشد.

طبیعتا با عملکرد نظر به غرب چنین وزرای خارجه‌ای و شرکت آنان در کنفرانس‌های آمریکایی، باید منتظر روابط تیره آنها با کشورهای مرفی چون لیبی بودیم، هرچند در این رابطه بهانه دیگری را علم کرده بودند. در حقیقت شمار نه شرقی نه غربی را، که بطنی لیرال‌ها هم از آن می‌زنند، بخاطر فریب مردم بوده و عملکردهای آنان سیاست گرایش به غرب و تجدید وابستگی را نشان می‌دهد. در پیش برخی لیرال‌ها شعار نه شرقی، نه غربی تنها مفهوم جغرافیائی دارد و دنباله طبیعی آن شمار چنین می‌شود که پس زاینی، فرانسوی و... و با شناختی که از ماهیت یکپارچه امپریالیسم داریم، دم خروس آقایان از همین‌جا پیدا میشود و قضیه سیاست تجدید

نامه مَرُوم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه «مردم»
هنوز در اختیار
نامه «مردم» نیست)

**NAMEH
MARDOM**

No. 398
18 December 1980

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی می‌توانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی
۴۱/۳۵۵۱ منطقه
۱۴ پستی تهران

دبیرکل حزب کمونیست یونان: اکثریت قاطع مردم یونان با کشانده شدن به ماجراجوئی‌های آمریکا و ناتو مخالفند

فلورا کیس دبیرکل حزب کمونیست یونان در مصاحبه با روزنامه نویس دوچلند ارگن مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان تلاش-هایی را که هدف آن وارد ساختن یونان به سیاست خطرناک بلوک ناتو است، محکوم کرد. وی بویژه یادآور شد تصمیم در مورد بازگشت یونان به جناح نظامی ناتو، در مرحله کنونی که اوضاع جهان متشنج شده است، با منافع خلق یونان مغایرت دارد.

بازدید لئونید برژنف از هندوستان برای جریان تشنج‌زدائی در سر اسرجهان اهمیت دائمی و فناناپذیر خواهد داشت

برک کارمل رهبر افغانستان طی یک مصاحبه باخبرگزاری باختر و رادیو تلویزیون ملی افغانستان سفر لئونید برژنف رهبر شوروی را به هند اقدامی در جهت تحکیم مبانی صلح و امنیت بین‌المللی خواند. برک کارمل دبیرکل کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق و رئیس شورای انقلاب و نخست‌وزیر جمهوری دمکراتیک افغانستان در مصاحبه مطبوعاتی خود ضمن اشاره به سفر لئونید برژنف به هند گفت: «این نوع اقدامات دلیل دیگری بر سیاست دائمی و مستمر حزب کمونیست و دولت شوروی در مورد تحکیم مبانی صلح و امنیت بین‌المللی است.»

برک کارمل گفت: «مردم افغانستان با دقت زیادی جریان بازدید لئونید برژنف و مذاکرات وی را در دهلی دنبال کردند. ما رفیق لئونید برژنف را بعنوان رهبر مردم کبیرشوروی، دوست مردم مارشکسیت برجسته‌ای که فعالیت‌های دارای اهمیت جهانی است، می‌شناسیم. رهبری که کوشش‌های خستگی‌ناپذیر او در مورد تحکیم مبانی صلح و تشنج‌زدایی و خلق صلاح مورد علاقه و احترام قشرهای وسیع مردم در هزاره‌های گوناگون واقع شده است.»

وی افزود: ما در افغانستان برای کوشش‌های صلح‌جویانه پانو ایندیپرا گاندی نخست‌وزیر هند و سایر رهبران هندوستان ارزش عالی قائلیم. هندوستان که یک کشور بزرگ آسیایی است، تحت رهبری زمامداران خود و با پاسداری از امر صلح و تقویت جریان تشنج‌زدایی و با مقابله با هرگونه تحکم امپریالیستی و برتری‌جویی و مبارزه برای برقراری روابط عادلانه بین همه کشورهای در جنبش بین‌المللی عدم تمهد نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند.

برک کارمل در مورد اهمیت بازدید لئونید برژنف از هند گفت: «اهمیت بازدید لئونید برژنف از هند و مذاکرات وی با پانو ایندیپرا گاندی و دیگر رهبران آن کشور از چارچوب مناسبات دو جانبه شوروی و هند بسیار با فراتر گذاشته است. نتایج این بازدید و اسنادی که در جریان آن امضاء شد در گسترش رشته‌های مودت‌آمیز میان اتحاد شوروی و هندوستان سهم بزرگ و جدیدی ادا کرده است. درین حال نتایج این دیدار برای سراسر آسیا و آینده جهان و جریان تشنج‌زدایی در سراسر دنیا اهمیت دائمی و فناناپذیر خواهد داشت.»

برک کارمل اعلامیه مشترک هند و شوروی را در جهت تحکیم مبانی صلح و تثبیت اوضاع آسیا و سراسر جهان براساس اصول همزیستی مسالمت‌آمیز خواند و گفت: «برای جمهوری دمکراتیک خلق افغانستان، مانند شوروی و هندوستان به هیچ‌وجه بی‌تفاوت نیست که اوضاع و حوادث درجهان منجمله در آسیا درجه سمتی سیر می‌کند. ما در این مورد با رهبران اتحاد شوروی و هندوستان کاملاً هم‌راهی و هم‌عقیده هستیم که در این منطقه ممکن است و باید اوضاع عادی و آرام تأمین شود. به این جهت افغانستان بعنوان یکی از کشورهای زافع در جنوب باختری آسیا، علی‌الخصوص، دعوت رهبران اتحاد شوروی و هندوستان را به حل سیاسی و مسالمت‌آمیز مسائل منطقه برپایه اصل احترام کامل به استقلال و حق حاکمیت، تمامیت ارضی و مقررات ویژه عدم تمهد کشورهای واقع در این منطقه کاملاً تأیید و تصدیق می‌کند. ما کاملاً متقدیم که حل واقعا سازنده و عادلانه مسائل جنوب باختری آسیا منجمله مسائل مربوط به اوضاعی که در افغانستان در نتیجهٔ دسایس محافل امپریالیستی و سلطه‌جویان پدید آمد فقط از راه سیاسی و از طریق انجام مذاکرات مستقیم بدون مداخله بیگانگان، امکان‌پذیر است.»

برک کارمل گفت: من می‌خواهم از سوی خود بگویم که کشور ما مانند بسیاری از دیگر کشورهای غیرتمهد که در تأمین صلح و آرامش بعنوان شرط تحقق هدفهای بهبود زندگی همه ملت‌ها زمینفند، آماده است سهم خود را در برپسازی اوضاع بین‌المللی منجمله در این منطقه ادا کند. پیشنهاد دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان مورخ چهارده ماه مه سال جاری همین هدف را تقییب می‌کند. برک کارمل طلب کرد که به دعوت اتحاد شوروی و هندوستان جواب مثبت داده شود و بخاطر کاهش تشنج در منطقه و برای فراهم‌ساختن موجبات برقراری صلح پایسدار، سیاستی واقع‌بینانه اتخاذ گردد. وی درباره مذاکرات با رهبران مسئول جمهوری اسلامی ایران و همچنین کشورهمسایه دیگر آن، پاکستان خاطر نشان ساخت: «ما از سوی خودمان حاضریم در هر موقع مناسب و در هر محلی که برای آنها و برای ما قابل قبول باشد با آنها دیدار کنیم.» برک کارمل در پایان سخنان خود گفت: «ما که از پشتیبانی و کمک عظیم کشور دوست اتحاد شوروی و اردوگاه سوسیالیستی و ممالک غیرتمهد و همه نیروهای مرفی‌خسواه جهان برخورداریم حتما در امر تأمین هدفهای والا و پر ارج انقلاب خود موفقیت بدست خواهیم آورد و سهم خود را در امر تأمین صلح و پیشرفت اجتماعی در جهان ادا خواهیم کرد.»